



## Exploration of Fundamental Decision-Making Components Based on the Thoughts of Jalaaleddin Mohammad Mowlavi

Mahdi Moslehi, Seyed Hamid Khodadad Hosseini\*, Fereshteh Mansouri moayyed, Ebrahim Khodayar

1. Ph.D. candidate, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
2. Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
3. Associate Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
4. Associate Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

### Article Info

### ABSTRACT

**Article type:**  
**Research Article**

**Received:**

**08/09/2024**

**Accepted:**

**22/12/2024**

Decision-making plays a pivotal role in individual life, and this issue has garnered special attention from scholars. Theories in the field of decision-making are based on assumptions that stem from differences in ontological and epistemological foundations. Therefore, it is important to examine such a significant issue as decision-making by referring to Iranian-Islamic texts. The main goal of this study is to explore the contextual components of decision-making based on the thought of Jalal al-Din Muhammad Rumi. In this research, themes, concepts and categories related to the contextual components of decision-making, based on the thought of Jalal al-Din Muhammad Rumi, are identified through the study and analysis of Rumi's *Masnavi Manavi*. This study is exploratory and descriptive in nature and utilizes thematic analysis as its primary analytical method. In the descriptive coding stage, after continuous comparison of the data, 312 descriptive codes were presented. In the second stage (interpretive coding), a list of 43 interpretive codes was created. In the third stage, by bringing the categories closer together to explain the concepts, 11 overarching themes were expressed. The examination of contextual components affecting decision-making based on the thought of Jalal al-Din Muhammad Rumi can enrich the frameworks proposed in the field of decision-making.

**Keywords:** Decision Making, Jalaaleddin Mohammad Mowlavi, Ontology, Epistemology, Anthropology

**Cite this article:** Moslehi, Mahdi, Khodadad Hosseini, Seyed Hamid, Mansouri moayyed, Fereshteh, & Khodayar, Ebrahim. (2024). Exploration of Fundamental Decision-Making Components Based on the Thoughts of Jalaaleddin Mohammad Mowlavi. *Interdisciplinary research in Persian Language and literature*, Vol. 3, New Series, No.1, spring and summer 2024: pages : 203-236

DOI: 10.30479/irpli.2024.20898.1188



© The Author(s).

**Publisher:** Imam Khomeini International University

**\*Corresponding Author:** Seyed Hamid Khodadad Hosseini  
**Address:** Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Ir  
**E-mail:** Khodadad@modares.ac.ir



## واکاوی مؤلفه‌های زمینه‌ای تصمیم‌گیری براساس اندیشه جلال‌الدین محمد مولوی

مهدی مصلحی، سید حمید خداداد حسینی\*، فرشته منصوری مؤید، ابراهیم خدایار

۱. گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. استاد گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۴. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

### اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۰۶/۱۸

پذیرش:

۱۴۰۳/۱۰/۰۲

تصمیم‌گیری نقشی محوری در حیات فردی دارد و این مسئله از سوی اندیشمندان مورد توجه ویژه است. نظریات در حیطه تصمیم‌گیری بر پیش‌فرض‌هایی بنا شده‌اند، پیش‌فرض‌هایی که ریشه در تفاوت مبانی هستی-شناسی و معرفت‌شناسی دارد. به همین جهت بررسی موضوع با اهمیتی چون تصمیم‌گیری با مراجعه به متون ایرانی-اسلامی حائز اهمیت است. واکاوی مؤلفه‌های زمینه‌ای تصمیم‌گیری براساس اندیشه جلال‌الدین محمد مولوی، هدف اصلی این پژوهش است. در این پژوهش مضامین، مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با مؤلفه‌های زمینه‌ای تصمیم‌گیری براساس اندیشه جلال‌الدین محمد مولوی از طریق بررسی و تحلیل در مثنوی معنوی مولانا شناسایی می‌گردد. این پژوهش از منظر ماهیت روش، اکتشافی توصیفی و از منظر شیوه تحلیل، تحلیل مضمون است. در مرحله کدگذاری توصیفی پس از مقایسه مستمر داده‌ها ۳۱۲ کد توصیفی ارائه شد. در مرحله دوم (کدگذاری تفسیری) فهرست ۴۳ کد تفسیری ایجاد شده بیان گردید. در مرحله سوم با نزدیک کردن مقوله‌ها برای توضیح مفاهیم، ۱۱ مضمون فراگیر بیان گردید. واکاوی مؤلفه‌های زمینه‌ای مؤثر بر تصمیم‌گیری براساس اندیشه جلال‌الدین محمد مولوی می‌تواند سبب غنی‌تر شدن چارچوب‌های مطرح‌شده در زمینه تصمیم‌گیری گردد.

کلمات کلیدی: تصمیم‌گیری، جلال‌الدین محمد مولوی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی.

استناد: مصلحی، مهدی؛ خداداد حسینی، سید حمید؛ منصوری مؤید، فرشته؛ خدایار، ابراهیم (۱۴۰۳). *واکاوی مؤلفه‌های زمینه‌ای تصمیم‌گیری براساس اندیشه جلال‌الدین محمد مولوی*، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۳: ۲۳۶-۲۰۳.

DOI: 10.30479/irpli.2024.20898.1188

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

حق مؤلف © نویسنندگان.



## ۱. مقدمه و بیان مسئله

تصمیم‌گیری نقشی اساسی و جوهری در پژوهش‌های علوم‌انسانی دارد، آن‌چنان که از موضوعات مورد توجه اندیشمندان از ابتدای شکل‌گیری این رشته بوده است. تصمیم‌گیری فرایندی است که به واسطه آن، راه‌حل مسئله مشخصی انتخاب می‌گردد و شامل مجموعه اقداماتی است که به برگزیدن یک راهکار، از مجموع راهکارهای بدیل منجر می‌گردد (خداداد حسینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۴). گزینش راهکار مورد نظر در شرایط متفاوتی چون شرایط اطمینان، شرایط عدم اطمینان یا شرایط مخاطره صورت می‌گیرد. تصمیم‌گیرنده تصمیم را در فضای تصمیم‌گیری اتخاذ می‌کند. این فضا به‌طور قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر ارزش‌ها و عقاید تصمیم‌گیرنده صورت می‌پذیرد. وجود نظریه‌ها در فضای جامعه و فرهنگ متناسب می‌تواند هویت و ارزش‌های آن نظریه را نمایان سازد. این ارتباط نزدیک سبب می‌گردد که یافته‌ها در یک فرهنگ و محیط خاص، در فرهنگ و جامعه‌ای دیگر، با وجود مشترکات، تفاوت‌هایی داشته باشند (گودرزی، ۱۳۸۶: ۱-۲). سایمون Simon بر این باور بود که تصمیمات و انتخاب افراد، در فضای پر از مفروضات انجام می‌شود. مبنایی که تصمیم‌گیرنده آن‌ها را اساس تصمیم‌گیری و انتخاب خود قرار داده و اقدامات او نیز تحت تأثیر محدودیت‌هایی که مفروضات پدید می‌آورند، قرار می‌گیرد. مفروضاتی که افراد آن‌ها را پذیرفته‌اند و مبنای انتخاب‌ها و تصمیمات آن‌هاست، مبنای ارزشی لازم برای اهدافی را ایجاد می‌کنند که کلیه تصمیمات برای دستیابی به آن‌هاست.

نظریه‌های مربوط حوزه تصمیم‌گیری نیز مبتنی بر یک دیدگاه نظری روشن با خاستگاه هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی معین است. اصلی‌ترین عامل تنوع نظریه‌ها، رویکردها و مکتب‌های تصمیم‌گیری و ساحت اصلی شکل‌گیری مطالعات میان‌دانشی یک نظریه، خاستگاه‌هایی است که آن اندیشه بر مبنای آن متبلور شده است. ادبیات تصمیم‌گیری بیشتر در دنیای غرب توسعه یافته و بر اساس مبانی و رویکردهای فلسفی خاصی ارائه شده‌اند. نظریات در حیطه تصمیم‌گیری بر پیش‌فرض‌های فلسفی بنا شده‌اند حتی اگر این پیش‌فرض‌ها بر حامیان و کاربران آن نظریات پوشیده باشد. به همین جهت بررسی موضوع با اهمیتی چون تصمیم‌گیری با مراجعه به متون ایرانی - اسلامی حائز اهمیت است. این پژوهش تلاشی است جهت آن‌که بتواند چارچوب علمی مناسب جهت بهره‌گیری از گنجینه‌های معرفتی ایران اسلامی در راستای تدوین چارچوبی معتبر در حیطه تصمیم‌گیری فراهم سازد. انسان امروزی بیش‌ازپیش با چالش‌های تصمیم‌گیری روبرو است، حال آن‌که به ذخائری ارزشمند از معارف انسانی دسترسی دارد. بخشی از این معارف آموزه‌های جلال‌الدین محمد مولوی، عارف و اندیشمند بزرگ ایرانی است. مولوی از بزرگ‌ترین عارفان انسان‌شناس فرهنگ ایران اسلامی است. مثنوی معنوی او، بیانگر نگاه جامع، ژرف و عمیق وی به عرصه هستی و انسان است، وی در مثنوی معنوی آن‌چنان اندیشه‌ها، رفتار و عواطف آدمی را مورد تحلیل قرار داده است که می‌توان نگرش

خاص وی به انسان را دریافت. درک ابعاد اندیشه مولانا پیرامون تصمیم‌گیری مستلزم درک ابعاد معرفت-شناسی، جهان‌بینی و نگرش وی به هستی و انسان است. در توسعه و گسترش نظریه می‌بایست این نوع نگرش مورد ملاحظه قرار گیرد. این پژوهش در صدد است بتواند واکاوی از مؤلفه‌های زمینه‌ای تصمیم‌گیری براساس اندیشه مولانا ارائه دهد.

## ۲- مروری بر ادبیات پژوهش

### ۲-۱- تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری در اندیشه اندیشمندان علوم انسانی جایگاه ویژه‌ای داشته است. تصمیم‌گیری فرایندی است که تنها به انتخاب یک گزینه از میان گزینه‌ها محدود نیست، بلکه به اجرا نیز منتهی می‌شود. از همین رو تصمیم که به اقدام منجر نگردد تنها تصورات فرد محسوب می‌شود (خسروآبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۹). تصمیم‌گیری انتخابی است آگاهانه که در خلأ انجام پذیر نیست. هر انسانی در زیستن خویش با فرایند تصمیم‌گیری مواجه است. تصمیم‌گیری با بهره‌گیری از بررسی‌های کمی و فرایندهای منطقی انجام می‌شود یا براساس شهود تصمیم‌گیرنده صورت می‌گیرد. رویکرد عقلانی که در واقع رویکرد سنتی در تصمیم‌گیری محسوب می‌شود و با دیدگاه اقتصاد کلاسیک پیرامون تصمیم‌گیری ارتباط نزدیکی دارد، تصمیم‌گیرنده را عقلانی می‌داند. در واقع فرد در هنگام تصمیم‌گیری سودمندی ذهنی هر یک از گزینه‌ها را می‌سنجد و گزینه سودمندتر را انتخاب می‌کند. به بیانی دیگر انتخاب کارکرد سودمندی ذهنی شخص را نمایان می‌سازد (نوروزی و شیرازی احمدآبادی، ۱۳۸۶: ۲). در این رویکرد دسترسی به اطلاعات و قطعیت آن و عدم سوگیری‌های شناختی حائز اهمیت است. بهره‌گیری از شهود می‌تواند شکاف‌های در تفکر منطقی که از عدم قطعیت و کمبود اطلاعات صحیح و کامل مرتبط با تصمیم‌گیری ناشی می‌شود را تکمیل کند (Elbanna & et al, 2013: 151). بهره‌گیری از شهود به معنای نفی تحلیل عقلانی نیست بلکه هر یک از این قابلیت‌ها را می‌توان به اقتضای خود در جایگاه مناسب استفاده کرد. طی سه دهه اخیر پژوهشگران تلاش کرده‌اند ارتباط پیچیده بین هیجانات و احساسات با پیامدهای مختلف شناختی همچون تصمیم‌گیری را مشخص کنند. نتایج پاره‌ای از تحقیقات در حیطه هیجانات و تصمیم‌گیری بیانگر آن بود که هیجانات مثبت دقت تصمیم‌هایی که نیازمند اشراف به منابع چندگانه اطلاعات مبهم دارند را بهبود دهند. تصمیم‌گیرندگان که هیجانات مثبت را تجربه می‌کنند بهتر می‌توانند هنگام رویارویی با حجم وسیعی از اطلاعات از میانبرها بهره ببرند (رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۸). فرایند تصمیم‌گیری در هر جامعه به هویت و فرهنگ، ارزش‌ها و آرمان‌های آن جامعه متکی است. آرمان‌ها و ارزش‌های یک جامعه مبتنی بر جهان‌بینی حاکم است. به همین خاطر فرایند تصمیم‌گیری در هر عصر و جامعه‌ای وامدار جهان‌بینی ویژه خود است. در واقع مبانی هستی‌شناسی

و معرفت‌شناسی، بستر طراحی و تدوین نظریه و دستیابی به رویکردها و مدل‌های تصمیم‌گیری است. هر رویکرد که منبعث از مبانی مشخصی است، با نگرش و نگاه ویژه‌ای به جهان و مسائل آن می‌نگرد.

## ۲-۲- هستی‌شناسی

هر اندیشمندی از ساختار فکری منسجمی برخوردار است که تحلیل‌ها و نظریه‌پردازی‌های وی براساس آن ساختار فکری چارچوب می‌یابد. هستی‌شناسی، شاخه‌ای از فلسفه است که معطوف به مسئله وجود یا هستی است. فرهنگ‌نامه تفکر مدرن، هستی‌شناسی را این‌گونه تعریف کرده است: هستی‌شناسی یعنی نگاه محقق یا مجموعه‌ای از محققان نسبت به امر واقع که دربرگیرنده ماهیت آن و نیز چگونگی ارزیابی و دخل و تصرف در آن است. هستی‌شناسی نظریه‌ای است در باب وجود یا به‌طور دقیق‌تر، آنچه واقعاً وجود دارد، در مقابل آنچه به نظر می‌رسد وجود داشته باشد یا بهتر بگوییم فقط چیزی را می‌توان قابل تحقیق دانست که اجزاء واقعی داشته باشد (ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۷: ۴۸-۴۷). در هستی‌شناسی، ذهنیت انسان پیرامون جوهره و اصل پدیده‌ها مسئله بنیادین است. نگرش فرد پیرامون جهان اطراف آن در تصمیم‌گیری تأثیر به‌سزایی دارد. هر تصمیم‌گیرنده برای اتخاذ تصمیم، دیدگاه خود در برابر جهان را آشکار می‌کند، هرچند ممکن است این امر ناخودآگاه صورت گیرد (جمالی، ۱۳۹۴: ۵۹-۵۸). نگرش عرفان به انسان، از بعد مادی و جسمانی، موجودی ضعیف و حقیر است حال آن‌که از بعد باطنی و معنوی، موجودی بسیار توانمند و وسیع است. از دید عرفان روح انسانی شریف و ارجمند است که به کمند عقول وصول به آن میسر نگردد. جلال‌الدین محمد مولوی نیز بر این طریق باور دارد که انسان گرچه به ظاهر، عالم کوچکی را نمایان می‌کند اما در واقع عالم ظاهر با همه پهنا جغرافیایی در مقابل او حقیر و کوچک است. جهان‌بینی عرفانی وی آدمی را موجودی چند ساحتی می‌داند که دارای ساحت ملکی و ملکوتی و الهی است. به همین خاطر انسان می‌تواند خویشتن حقیقی خود را فراموش کند. فراموشی که به معنای از یاد بردن ابعاد حقیقی خویش است (کاکایی و بحرانی، ۱۳۹۰: ۱۶۳-۱۶۲).

پاره دوزی می‌کنی اندر دکان      زیرا این دو کان تو پنهان دوکان

ای ز نسل پادشاه کامیار      با خود آ از پاره‌دوزی شرم دار

(مثنوی، دفتر ۴، ۲۵۷۰-۲۵۶۹)

هستی‌شناسی مولانا به معنای عبور از جهان پدیداری و پیوستن به عدم به‌مثابه حقیقت هستی است. جهت فهم چنین هستی / عدمی می‌بایست توجه خویش را از هر آنچه موجود است برگرفت، بدین معنا که قطع تعلق روح از جهان و مافیها و پیوستن به خدایی که به‌مثابه بنیاد وجود در اطلاق خویش با عدم یکی است.

جمله دیگر بمیرم از بشر      تا برآرم از ملایک بال‌وپر  
بار دیگر از ملک قربان شوم      آنچه اندر وهم ناید آن شوم  
پس عدم گردهم، عدم چون ارغنون      گویدم: کانا الیه راجعون

(مثنوی، دفتر ۳، ۳۹۴-۳۹۲)

جلال‌الدین محمد انسان را آزاد و صاحب‌اختیار می‌داند که در حدود قوانین هستی و توانایی‌های خود آزادانه انتخاب می‌کند و اختیار خود را متجلی می‌کند به اعتقاد مولانا انسان می‌تواند و باید سازنده سرنوشت خویش بوده و سرنوشت تعیین شده از جانب پروردگار را رقم بزند. چنان‌که وقتی او خویشتن خویش را تغییر می‌دهد، سرنوشتش نیز دگرگون می‌شود (شهیدی، ۱۳۸۶، ج. ۴: ۴۵۵).

#### ۲-۳- معرفت‌شناسی

با بررسی تاریخ معرفت‌شناسی، دو مکتب مهم را می‌توان مشخص کرد، مکتب عقل‌گرا که منشأ معرفت را تفکر و عقل می‌داند و مکتب تجربه‌گرا که منشأ معرفت را ادراک می‌داند. در معرفت‌شناسی می‌بایست به عواملی چون: منبع و ابزار معرفت، قلمرو معرفت، سطوح مختلف معرفت و هدف به‌کارگیری معرفت توجه کرد (کرمی و رزاق‌پور، ۱۳۹۸: ۲۹۶). پروردگار عالم انسان را آن‌گونه آفریده است که بتواند حقایق عالم هستی را فهم کند. بوده‌اند کسانی که اساساً دستیابی به شناخت را امری غیرممکن دانسته‌اند، اما تردیدی نیست که این نظر در نگاه عارفان از جمله مولانا پذیرفته نیست و شناخت از نظر آنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مولانا معتقد است که آدمی همان اندیشه‌ها، دانسته‌ها، معتقدات، تجارب و اندوخته‌ها است و آدمی همان است که می‌داند و می‌پندارد. مولانا بر این باور است که با افزایش مرتبه وجودی، کیفیت معرفت هم تغییر می‌کند. به عقیده او هر کسی قادر به شناخت هر چیزی نیست، بلکه معرفتی می‌تواند تحقق‌بخش این نظریه مولانا باشد که در جریان آن، معرفت در وجود آدمی مستحیل گردد.

پس قیامت شو قیامت را ببین      دیدن هر چیز را شرط است این  
تا نگردی او ندانی‌اش تمام      خواه آن انوار باشد یا ظلام

(مثنوی، دفتر ۶، ۷۴-۷۳)

چنان‌چه معرفتی تنها بر قوه عقل آدمی تأثیر گذارد و تمام وجود او را به چالش فرانخواند و ذات وی را تبدیل نبخشد و در جان آدمی مستحیل نگردد، معرفت حقیقی نیست. مولانا، انسان را از دید ارتباطش با

مطلق می‌نگرد و وی را دارای ماهیتی متشخص و متعین نمی‌داند. انسان قبل از آن‌که دارای ماهیتی خاص باشد، نوعی نحوه بودن و نوعی پیوند با مطلق است و تنها در پرتو این امر است که می‌توان وجود او را تعریف کرد. در اندیشه مولانا علم و معرفت جایگاه ویژه‌ای داشته و دارای اعتبار است. در اندیشه وی، جست‌وجوی دانش فرایندی مستمر بوده و تمام‌شدنی نیست و هر لحظه مقابل آدمی مجهولاتی وجود دارد که می‌بایست آن‌ها را بشناسد. از منظر مولانا راه شناخت به تقلیدی و تحقیقی تقسیم می‌شود و با توجه به آفات علم تقلیدی، علم تحقیقی مورد تأکید مولاناست. در اندیشه مولانا در وجود آدمی، قابلیت‌هایی وجود دارد که منحصر به اوست. قابلیت‌هایی که سبب تمایز آدمی از سایر موجودات گشته و امکان سیر به مراتب بالای وجودی را به وی می‌دهد.

### ۳-مروری بر پیشینه پژوهش

نظریات در حیطه تصمیم‌گیری بر پیش‌فرض‌های استوار است. به همین جهت بررسی موضوع با اهمیتی چون تصمیم‌گیری با مراجعه به متون ایرانی-اسلامی حائز اهمیت می‌باشد و ظرفیت‌های موجود در در آموزه‌های ایرانی-اسلامی زمینه ساز مناسبی برای شکل‌گیری شیوه‌های جدید تفکر و تصمیم‌گیری است. علی‌رغم پژوهش‌های انجام شده در حیطه تصمیم‌گیری، آثار اندیشمندان ایرانی متأثر از رویکردهای اسلامی، در حیطه تصمیم‌گیری مورد توجه واقع نگردیده است و این عامل سبب شده پیشینه این‌گونه فعالیت‌های پژوهشی در جامعه پژوهشگران حیطه تصمیم‌گیری قوت چندانی نداشته باشد. با این وجود، برخی پژوهش‌های صورت گرفته در راستای موضوع پژوهشی این پژوهش، به صورت خلاصه در جدول (۱) مرور شده است.

### جدول (۱): خلاصه پیشینه پژوهش

پژوهشگر(ان)	موضوع پژوهش	سال	نتایج
فاطمه تقی‌یاره	تدوین بستۀ روان‌درمانگری وجودی براساس اندیشه جلال‌الدین محمد	۱۳۸۹	در این پژوهش، پژوهشگر بر استخراج مولفه‌های درمان وجودی مبتنی بر اندیشه جلال‌الدین محمد مولوی پرداخته و چارچوب معنایی را تبیین می‌کند. براساس این پژوهش انگیزه اساسی در انسان، اراده ربط نامتناهی است و بیان می‌کند گسست در وجه ربطی خاص می‌تواند از جمله عوامل اصلی در اختلالات حیطه روان آدمی باشد و تلاش جهت بازسازی دوباره آن سبب کاهش مجموعه این اختلالات می‌گردد.
	مولوی و بررسی اثربخشی آن در درمان افسردگی و افزایش سطح تحول من		

پژوهشگر(ان)	موضوع پژوهش	سال	نتایج
روح‌الله رازینی و مهدی عزیزی	طراحی الگوی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی	۱۳۹۴	در این پژوهش مفهوم بصیرت با تأکید بر سه جنبه بصیرت نسبت به دین، مسئله و جامعه، به‌عنوان مؤلفه محوری در تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی بررسی شده است و عوامل مشورت، توکل، اخلاص و اعتدال‌گرایی به‌عنوان عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری اسلامی معرفی شده‌اند.
مهدی خداداده	تدوین مدل اسلامی شهود در تصمیم‌گیری راهبردی	۱۳۹۷	در این پژوهش ضمن تبیین شهود، مؤلفه‌هایی که بر امر شهود تأثیرگذار هستند را براساس آموزه‌های قرآنی استخراج کرده و مدلی جهت شهود در تصمیم‌گیری براساس تعالیم قرآن کریم بیان می‌کند. وی معتقد است شهود و استدلال در تضاد با یکدیگر نبوده و آموزه‌های اسلامی بر اهمیت هر دو تأکید دارند.
سید محمد قلمکاریان	سبک زندگی ازمنظر مولانا و تبیین آن براساس قرآن کریم	۱۳۹۷	در این پژوهش نویسنده با بهره‌گیری از روش تحلیل اسنادی به کاوش در مکتوبات مولانا پرداخته است. براساس این پژوهش آدمی جهت دستیابی به حقیقت و سبک زندگی مطلوب می‌بایست علاوه بر ارتباط با پروردگار، خویشتن را از رذائل اخلاقی مبرا کرده و به سایر انسان‌ها در جامعه یاری- رسان باشد.
صهبا رضاییان، سید کمال خرازی، احسان جمالی، ابوالقاسم نادری	الگوی مفهومی تصمیم‌گیری با رویکرد شناختی	۱۳۹۸	نویسندگان در این پژوهش با استخراج مؤلفه‌های شناختی مؤثر بر تصمیم‌گیری می‌کوشند الگوی مفهومی تصمیم‌گیری با رویکرد شناختی را تدوین کنند. نتایج حاصل از این پژوهش استخراج ۸ مؤلفه شناختی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری بود که بنیان ساخت مدل شناختی مد نظر می‌باشد. این مؤلفه- ها عبارتند از: بافت، هیجانات، بازنمایی‌های ذهنی، باورها و جهان‌بینی، سوگیری، فرایند تحلیل اطلاعات و زمان، دانش و آمادگی شناختی.
حامد موسی‌پور، آتوسا کلانتر هرمزی، احمد برجلی	تبیین الگوی مفهومی رشد خود مبتنی بر آثار مولوی	۱۳۹۹	پژوهشگر در این پژوهش با تبیین مفهوم رشد و بررسی مفهوم رشد ازمنظر مولانا به تبیین الگوی مفهومی رشد خود براساس آثار مولوی پرداخته است. مؤلفه‌های تأثیرگذار در مدل وی عبارتند از: خودیابی، جهان‌بینی رشدی، رذیلت- زدایی، امساک‌های رشد‌دهنده، پیشران‌های رشد، مؤلفه‌های اجتماعی رشد و بی‌تعلقی، اصالت‌خواهی.
مرضیه بخشی، اسداله کردنایچ	فهم مبانی هستی- شناسی تصمیم‌گیری	۱۴۰۰	در این پژوهش پژوهشگر تلاش دارد تا به‌منظور پی‌ریزی درست چارچوب معرفتی در دانش تصمیم‌گیری استراتژیک



پژوهشگر(ان)	موضوع پژوهش	سال	نتایج
احمد آکوچکیان، سید حمید خداداد حسینی	استراتژیک ازمنظر قرآن (مبتنی بر سوره انفال)		قرآن‌بنیان، به چیستی مبانی پارادایمی بپردازد. در همین راستا با بهره‌گیری از تحلیل مضمون و تحلیل محتوا بخشی از دلالت‌های مبتنی بر مبانی هستی‌شناسی مرتبط با موضوع تصمیم‌گیری استراتژیک را تبیین می‌کند.

منبع: یافته‌های پژوهش

#### ۴- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش براساس لایه‌های پژوهش، ازمنظر پارادایم؛ تفسیری، ازمنظر انتخاب روش‌شناسی؛ تک روشی، ازمنظر استراتژی؛ کیفی، ازمنظر روش تحقیق؛ دلالت‌پژوهی، ازمنظر جهت‌گیری کلی؛ توسعه‌ای، ازمنظر ماهیت روش؛ اکتشافی - توصیفی، ازمنظر زمانی؛ مقطعی و از نظر روش تحلیل؛ تحلیل مضمون است. در پژوهش‌های حوزه تصمیم‌گیری، بهره‌گیری از دلالت‌پژوهی جهت توسعه و گسترش این حوزه حائز اهمیت است. دلالت‌پژوهی یکی از راهبردهای بسیار متداول، اقتباس و عاریه‌دانش یک رشته برای تدقیق، بهبود یا بسط دانش رشته دیگر است. مآخذ این بهره‌گیری‌ها می‌تواند آثار مکتوب و شفاهی اندیشمندان هر رشته علمی باشد. اصولاً بخش عظیمی از نوآوری در رشته‌های علوم اجتماعی به دلیل برگیری افکار دیگر رشته‌هاست که تجلی پژوهش‌های دلالت‌پژوهی است (دانایی‌فرد، ۱۳۹۵: ۴۵). براساس یافته‌های پژوهش، پژوهش‌ها در سه نوع کاربردی، بنیادی و توسعه‌ای دسته‌بندی می‌شوند. پژوهش توسعه‌ای به‌قصد توسعه مرزهای دانش عمومی انجام می‌گردد. از همین رو هر جستاری که در حیطه علوم انسانی و تجربی سبب توسعه و گسترش این علوم گردد و به تبیین آن پرداخته و ابعاد شناخته‌نشده آن را روشن سازد در حیطه پژوهش‌های توسعه‌ای قرار می‌گیرد (ساده، ۱۳۷۵: ۳۰). ازمنظر ابزار گردآوری داده این پژوهش در طبقه اسنادی قرار می‌گیرد. ازمنظر شیوه تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون رهیافتی ساختارمند جهت تحلیل داده‌های کیفی است. فرایند تحلیل مضمون شامل کدگذاری، شناسایی مضامین یا الگوهای معانی، دسته‌بندی داده‌ها براساس مضامین و در پایان تفسیر ساختارهای مضامین حاصل شده براساس روابط، مدل‌های فراگیر، شباهت‌ها، اصول تشریحی یا سازه‌های نظری است (Mills & et al, 2010: 131). روایی و پایایی که در پژوهش‌های کمی رواج دارند، در پژوهش‌های کیفی همچون پژوهش‌های کمی متداول نیستند، مرحله احصا سهم‌یاری‌ها در مورد سهم‌یاری‌هایی که برای نخستین بار احصا می‌شود، بررسی نظرات خبرگان می‌تواند به این امر کمک کند. در این پژوهش، پژوهشگر با تعداد قابل توجهی از ابیات مثنوی معنوی مواجه بود و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون که در آن مفاهیم مهم مطرح شده در متن استخراج می‌شود، پس از مطالعه دقیق مثنوی معنوی و بازبینی مکرر ابیات و هم‌چنین مفاهیم آن‌ها (براساس شرح‌ها) ابیاتی که با مفهوم تصمیم مرتبط بود استخراج شد، سپس جهت اطمینان از

صحت مفاهیم استخراج شده توسط پژوهشگر این مفاهیم با ابیات مربوطه در اختیار دو متخصص ادبیات و دو متخصص مدیریت قرار داده شد و پس از تأیید متخصصان، پژوهشگر به تبیین مؤلفه‌های زمینه‌ای تصمیم‌گیری براساس اندیشه مولانا پرداخت. جامعه پژوهش در این تحقیق آن دسته از متون مولانا جلال‌الدین محمد هست که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به مفهوم تصمیم‌گیری پرداخته‌اند. این پژوهش در تلاش است با بهره‌گیری از روش پژوهش بیان گردیده، پایبندی به مبانی آموزه‌های اندیشه مولانا و عدم سوگیری با توجه به نظریه‌های قبلی، پژوهشی نظاممند در این راستا محقق گردد.

#### ۵- یافته‌های پژوهش

مبتنی بر روش پژوهش بیان شده، تحلیل مضمون با مطالعه مستمر تفاسیر در زمان پژوهش و بهره‌گیری از نظر متخصصین و با یادداشت‌برداری از برداشته‌های ادراک‌شده از مجموعه ابیات انجام گردید. در ابتدا با مطالعه خطبه‌خط ابیات و جست‌وجو و بررسی کلمات مرتبط با حیطه تصمیم‌گیری کدهای توصیفی استخراج گردید، سپس با مقایسه مستمر مضامین توصیفی، مضامین تکراری و نامرتب حذف و مضامین دارای معانی مشترک در ذیل مضامین تفسیری جمع شدند پس از آن مضامین تفسیری یکپارچه‌سازی شده و در ذیل مضامین فراگیر قرار گرفتند. بدین ترتیب مراحل کدگذاری تا دستیابی به الگو و عدم امکان افزودن شدن ارزش بیشتر به مضامین استخراج شده ادامه یافت. مضامین مستند به ابیات مثنوی معنوی شده‌اند تا امکان ارزیابی برداشته‌ها و تفسیرهای پژوهشگر برای داوران و اساتید محترم فراهم باشد. شماره ابیات براساس نسخه شرح جامع مثنوی معنوی، تألیف کریم زمانی، انتشارات اطلاعات می‌باشد. مضامین حاصل از پژوهش دارای لایه‌های مختلفی می‌باشد. در مرحله کدگذاری توصیفی مضامین پایه شناسایی می‌شوند. در مرحله کدگذاری تفسیری مضامین سازمان‌دهنده احصا می‌شوند و در کدگذاری یکپارچه‌ساز مضامین فراگیر تعیین می‌شوند. در این پژوهش با مقایسه مستمر کدهای توصیفی تعداد آن‌ها به ۳۱۲ کد تقلیل یافت. در مرحله دوم (کدگذاری تفسیری) فهرست ۴۳ کد تفسیری ایجاد شده بیان گردید. در مرحله سوم با نزدیک کردن مقوله‌ها برای توضیح مفاهیم، ۱۱ مضمون فراگیر بیان گردید که به تبیین آن‌ها می‌پردازیم.

**شرایط فردی مؤثر بر تصمیم‌گیری:** این مؤلفه که مشتمل بر مضامین تأثیر متقابل روح و جسم، اثرگذاری ردیلت‌های اخلاقی، عوامل انگیزاننده و تعارضات درون‌فردی است، در واقع بیانگر مجموع شرایط درون‌فردی است که در بافت تصمیم بر امر تصمیم‌گیری تأثیرگذارند.

**تأثیر متقابل روح و جسم:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت ۱۶۱؛ دفتر چهارم: بیت ۳۰۹۱؛ دفتر پنجم: بیت ۳۵۳۴) استخراج شده است، نشان دهنده نگرش مولانا به رابطه جسم و روح است. او بر پالایش روح و مراقبت از جسم به‌عنوان پیش‌نیازی برای دستیابی به تعادل و تصمیم‌گیری حکیمانه تأکید می‌کند.

کز ضجر خود را بدراند شکم غصه آن بی‌مرادی‌ها و غم

(مثنوی، دفتر ۵، ۳۵۳۴)

اثرگذاری رذیلت‌های اخلاقی: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت ۱۰۸۴؛ دفتر دوم: بیت‌های ۴۹۱ و ۱۱۳۰؛ دفتر پنجم: بیت‌های ۳۹۶ و ۳۴۹۷؛ دفتر ششم: بیت ۲۰۱۱) استخراج شده است، نشان دهنده نگرش مولانا به اثرگذاری رذیلت‌های اخلاقی بر امر تصمیم‌گیری است. مولانا با ارائه شواهد متعدد در مثنوی معنوی، نشان می‌دهد که چگونه رذیلت‌های اخلاقی می‌توانند امر تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار دهد.

نوحه‌گر باشد مقلد در حدیث جز طمع نبود مراد آن خبیث

(مثنوی، دفتر ۲، ۴۹۱)

عوامل انگیزاننده: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر دوم: بیت‌های ۹۸ و ۳۳۵۵؛ دفتر سوم: بیت ۳۲۰۸؛ دفتر چهارم: بیت ۱۱۱۵؛ دفتر ششم: بیت‌های ۶۹۷، ۲۴۹ و ۳۶۵۵) استخراج شده است، نشان دهنده مجموعه عوامل انگیزاننده در اندیشه مولانا بر امر تصمیم‌گیری است. در اندیشه مولانا، انگیزه‌ها محرک رفتار انسان هستند و جهت‌گیری او را در مسیر تصمیم‌گیری شکل می‌دهند. مولانا بر این باور است که تصمیم‌گیری آگاهانه نیازمند شناخت انگیزه‌های درونی و هدایت آن‌ها در مسیر صحیح است. در خموشی گفت ما اظهر شود که ز منع آن میل افزون‌تر شود

(مثنوی، دفتر ۶، ۶۹۷)

تعارضات درون‌فردی: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹؛ دفتر سوم: بیت‌های ۷۴۸، ۴۳۲۶ و ۴۳۳۲؛ دفتر چهارم: بیت‌های ۱۵۳۴ و ۳۲۹۸؛ دفتر ششم: بیت‌های ۲۰۶، ۶۹۴ و ۴۰۴۳) استخراج شده است، نشان دهنده مسئله تعارضات درون‌فردی به‌عنوان یکی از مسائل اساسی در مسیر تصمیم‌گیری است. در اندیشه مولانا درک تعارضات درونی و فائق آمدن بر آن می‌تواند انسان را در مسیر تصمیم‌گیری آگاهانه قرار دهد.

میل مجنون پیش آن لیلی روان میل ناقه پس پی کره دوان

(مثنوی، دفتر ۴، ۱۵۳۴)

مولانا با بیان آن‌که گرایش تن آدمی به امور نفسانی است حال آن‌که نمی‌توان از آن گل‌های معنوی چید و به آن گلزار قدم نهاد. در باور مولانا تصمیم‌گیری با مجموعه عوامل روحی و شرایط فردی انسان در تعامل است. درک مجموعه مضامین تأثیر متقابل روح و جسم، اثرگذاری رذیلت‌های اخلاقی، عوامل انگیزاننده و

تعارضات درون‌فردی انسان را قادر می‌سازد تا در مواجهه با تصمیم‌های سخت و پیچیده، به‌صورت آگاهانه عمل کند و این موضوع افق تصمیم‌گیری را گسترده‌تر می‌کند. بک و همکاران Beck & et al در پژوهشی بیان می‌کنند مواقعی که تعمق در خویشتن بسیار پایین است یا اطمینان داشتن به خویش به‌شدت بالا باشد، بینش شناختی وجود ندارد (Beck & et al, 2004: 324). همچنین در پژوهشی که پالمر و همکاران Palmer & et al داشتند به بیان رابطه خود تعمقی و آگاهی از حقیقت و مجاز پرداختند که در آن افزایش خود تعمقی با آگاهی از حقیقت رابطه مستقیمی داشتند (Palmer & et al, 2015: 261).

شرایط محیطی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری: این مضمون که مشتمل بر کدهای تأثیر کلام و رفتار دیگران بر حالات انسان، بهره‌گیری از اسباب، تلاش برای ادراک موقعیت، لزوم توجه به‌وقت و محدودیت‌های ممتنع تصمیم است، در واقع بیانگر مجموع شرایط محیطی است که در بافت تصمیم بر امر تصمیم‌گیری تأثیرگذار است.

تأثیر کلام و رفتار دیگران بر حالات انسان: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر دوم: بیت ۱۷۴۲؛ دفتر سوم: بیت‌های ۹۳۳ و ۴۰۹۴؛ دفتر ششم: بیت ۱۴۸۹) استخراج شده است. مولانا در مثنوی معنوی به تأثیر کلام و رفتار دیگران بر حالات انسان که بر کیفیت تصمیم‌گیری و انتخاب تأثیر می‌گذارد پرداخته است. این مضمون به درک بهتر نقش تعاملات انسانی در فرایند تصمیم‌گیری تأکید دارد.

قصدِ خونِ تو کند تا ممکن است      گر چه خوش خو و حلیم و ساکن است

(مثنوی، دفتر ۲، ۱۷۴۲)

بهره‌گیری از اسباب: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت ۱۶۲۸؛ دفتر دوم: بیت ۲۲۳۹؛ دفتر سوم: بیت‌های ۱۴۶۵ و ۱۴۶۶؛ دفتر چهارم: بیت ۳۱۱۳؛ دفتر پنجم: بیت‌های ۲۳۸۳ و ۲۳۸۷؛ دفتر ششم: بیت ۲۶۱۶) استخراج شده است، بر اهمیت بهره‌گیری از اسباب در فرایند تصمیم‌گیری تأکید دارد. مولانا بهره‌گیری از اسباب را بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند تصمیم‌گیری دانسته که بخشی از نظام الهی است.

أَدْخُلُوا الْبَيْتَ مِنْ أَبْوَابِهَا      وَأَطْلُبُوا الْأَعْرَاضَ فِي أَسْبَابِهَا

(مثنوی، دفتر ۱، ۱۶۲۸)

تلاش برای ادراک موقعیت: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر دوم: بیت ۲۶۰۸؛ دفتر سوم: بیت‌های ۱۸۴۰، ۱۸۴۶ و ۳۵۰۶؛ دفتر چهارم: بیت ۲۶۲۵) استخراج شده است. مولانا بر اهمیت شناخت و درک عمیق شرایط و موقعیت‌ها پیش از هر تصمیم‌گیری تأکید دارد. در اندیشه وی انسان باید با تأمل، مشاهده و بررسی دقیق، موقعیت‌ها را بشناسد و از زوایای مختلف آن‌ها را تحلیل کند تا بتواند تصمیمی آگاهانه و حکیمانه اتخاذ کند.

باز با خود گفت صبر اولیترست صبر تا مقصود زوتر رهبرست

(مثنوی، دفتر ۳، ۱۸۴۶)

لزوم توجه به وقت: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر سوم: بیت‌های ۱۲۷، ۲۴۶ و ۴۹۷؛ دفتر چهارم: بیت‌های ۶۶۳، ۷۲۴ و ۸۶۲؛ دفتر ششم: بیت ۷۶۴) استخراج شده است. مولانا لزوم توجه به وقت را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی تصمیم‌گیری معرفی می‌کند. در اندیشه وی، ضرورت لحظه‌شناسی، پرهیز از غفلت نسبت به زمان و هماهنگی تصمیمات با شرایط زمانی حائز اهمیت است.

او به هر سالی همی گفتمی که : کی عزم خواهی کرد ؟ کآمد ماه دی

(مثنوی، دفتر ۳، ۲۴۶)

محدودیت‌های ممتنع تصمیم: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر دوم: بیت ۳۶۵۵؛ دفتر چهارم: بیت ۳۳۵۵؛ دفتر ششم: بیت ۳۸۶۴) استخراج شده است. مولانا محدودیت‌های ممتنع را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند تصمیم‌گیری معرفی می‌کند. در اندیشه وی انسان با درک این محدودیت‌ها و تعامل سازنده با آن‌ها، می‌تواند تصمیمات کارآمدتری اتخاذ کند.

چون بسی دید اندر آن غربت تعب عاجز آمد آخرا الامر از طلب

(مثنوی، دفتر ۲، ۳۶۵۵)

در اندیشه مولانا زمان در تصمیمات امری قابل توجه است که تعجیل و تأخیر در آن، هر دو سبب خسران آدمی است. وی بر ارتباطی که بین عوامل هستی وجود دارد و تأثیر عمیق محیط بر آگاهی انسان تأکید می‌کند. افراد در موقع تصمیم‌گیری، فشارهای محیطی پیچیده و محدودیت‌های زمانی را تجربه می‌کنند. تصمیم‌گیری افراد در ساختارهای اجتماعی جامعه صورت می‌گیرد (Wolff & Crockett, 2011: 1607). پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام گرفته است از جمله پژوهشی که سیالدینی و همکاران Cialdini & et al بیان داشتند چنانچه در فضایی زبانه ریختن مشاهده شود، افراد متمایل به ریختن زبانه بیشتری می‌شوند که معکوس آن نیز برقرار است. مجموعه اقدامات دیگران بر تصمیمات افراد تأثیرگذار است (Cialdini & et al, 1991: 230). آریلی و ذاکي Ariely & Zakay، مسئله زمان در تصمیم‌گیری را این‌گونه بیان می‌کنند که فاصله زمانی مشخص بین هنگام احساس نیاز به گرفتن تصمیم تا هنگام گرفتن تصمیم است (Ariely & Zakay, 2001: 203). این زمان به سطح و فرایند تصمیم‌گیری مرتبط است. رابینز Robbins در تقسیم‌بندی خود در بعد زمان در تصمیم‌گیری، زمان را عاملی حائز اهمیت که

تنگناهای مرتبط با آن سبب تأثیرات غیرقابل چشم‌پوشی بر تصمیم است عنوان می‌کند (Robbins, 2000: 188).

**شناخت و معرفت:** این مؤلفه که مشتمل بر مضامین تشخیص امور حقیقی از وهمیات، پرهیز از ظاهرنگری، توجه به اصل و معنا و تقدم اندیشه بر عمل است، بیانگر سطح شناخت و معرفتی تصمیم‌گیرنده است که بر امر تصمیم‌گیری تأثیرگذار است.

**تشخیص امور حقیقی از وهمیات:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت ۳۴۳۶؛ دفتر دوم: بیت‌های ۷۱۵، ۷۴۳ و ۷۴۴؛ دفتر سوم: بیت‌های ۱۴۱۴ و ۱۴۱۶؛ دفتر چهارم: بیت‌های ۱۸۴۱، ۳۱۹۸ و ۳۲۲۸؛ دفتر ششم: بیت‌های ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶ و ۴۴۹۳) استخراج شده است. مولانا در مثنوی معنوی، به مسئله تمایز میان امور حقیقی و وهمیات به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین چالش‌های انسانی اشاره می‌کند. در اندیشه وی این تمایز پیش‌نیازی برای شناخت واقعیت‌ها و اتخاذ تصمیمات آگاهانه است.

طالب زر گشته جمله پیر و خام      لیک قلب از زر نداند چشم عام

(مثنوی، دفتر ۲، ۷۴۴)

**پرهیز از ظاهرنگری:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر سوم: بیت ۱۱۲۷؛ دفتر چهارم: بیت‌های ۵۹۴، ۲۳۹۱ و ۳۶۰۶؛ دفتر پنجم: بیت ۳۴۰۲؛ دفتر ششم: بیت‌های ۱۷۳۸ و ۲۷۷۷) استخراج شده است. مولانا بر ضرورت پرهیز از ظاهرنگری و توجه به باطن امور تأکید ویژه‌ای دارد. از دیدگاه مولانا، انسان باید فراتر از ظواهر، به جوهر و عمق امور توجه کند تا بتواند تصمیم‌گیری‌های حکیمانه انجام دهد.

می‌چرد آن بره و قصاب شاد      کو برای ما چرد برگ مراد

(مثنوی، دفتر ۴، ۳۶۰۶)

**توجه به اصل و معنا:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت‌های ۵۴۰، ۷۱۵، ۲۱۰۵ و ۲۸۰۷؛ دفتر دوم: بیت‌های ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۶۴، ۹۶۹، ۱۱۷۸ و ۲۲۴۲؛ دفتر سوم: بیت‌های ۲۲۶۶ و ۳۴۱۸؛ دفتر چهارم: بیت‌های ۳۸۷، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۴، ۷۵۸ و ۳۳۳۷؛ دفتر پنجم: بیت‌های ۳۶۳، ۱۳۶۰ و ۳۴۳۸) استخراج شده است. مولانا باور دارد در فرایند تصمیم‌گیری، انسان باید به جوهر و معنا در پشت رویدادها و شرایط توجه کند. این رویکرد، تصمیم‌گیری را از سطحی‌نگری و وابستگی به جزئیات کم‌اهمیت به عمقی بالاتر ارتقا داده و سبب تمرکز بر اصل و تشخیص اولویت‌ها می‌گردد.

پس بود دل جوهر و عالم عرض      سایه دل چون بود دل را غرض

(مثنوی، دفتر ۳، ۲۲۶۶)

**تقدم اندیشه بر عمل:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر سوم: بیت‌های ۱۴۴۹، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰ و ۱۶۲۱) استخراج شده است. در اندیشه مولانا تقدم اندیشه بر عمل را به‌عنوان یکی از اصول بنیادین تصمیم‌گیری مطرح می‌گردد. وی باور دارد که تفکر عمیق پیش از اقدام، انسان را از اشتباهات و عواقب نامطلوب حفظ می‌کند و کیفیت تصمیم‌گیری را ارتقا می‌دهد. این نگرش، بر اهمیت تحلیل و برنامه‌ریزی پیش از اقدام در تصمیم‌گیری تأکید دارد.

هر چه داری تو، ز مال و پیشه‌یی نه طلب بود اول و اندیشه‌یی؟

(مثنوی، دفتر ۳، ۱۴۴۹)

مولانا همگان را طالب سعادت می‌داند اما همگان معیار سعادت را به دست نیاورده‌اند. مولانا اصل و معنا را معیار حقیقی می‌داند. وی همچنین اندیشه را مقدم بر عمل می‌داند. در اندیشه مولانا، شناخت و معرفت فرایندی است که انسان را مرحله‌به‌مرحله به سمت ادراک و فهم عمیق‌تر از حقیقت‌های هستی هدایت می‌کند. این شناخت و معرفت به انسان امکان می‌دهد تا از حقایق خویشتن آگاه شده و با هستی ارتباطی مؤثر برقرار کند. این شناخت و معرفت نیازمند تجربه و تحقق درونی است. در اندیشه مولانا، اندیشیدن بر عمل مقدم است و او بر تبدیل افکار و اندیشه‌ها به عمل تأکید می‌کند. صرف اندیشیدن و تمرکز بر مفاهیم و اندیشه‌ها بدون به عمل درآوردن آن‌ها، بی‌ارزش است. بنابراین، اندیشیدن بدون عمل به نظر مولانا کافی نیست و باید به عمل پرداخته شود. ذهن انسان همچون مجموعه پردازش اطلاعاتی است که اطلاعات را انتخاب می‌کند، تحت تغییراتی قرار می‌دهد، کدگذاری، ذخیره و فراخوانی می‌کند و به تولید اطلاعات می‌پردازد. آنچه که در مجموعه پردازش اطلاعاتی ذهن آدمی حائز اهمیت است آن‌که پردازش اطلاعات به‌صورت محدود انجام می‌پذیرد و می‌بایست نسبت به محرک‌های موجود انتخاب صورت گیرد (Goldstein, 2009: 26). توجه به مقوله شناخت و معرفت با توجه پژوهش لاری و فاکرت Lavie & Fockert در توجه انتخابی که بیان می‌کنند منابع توجهی به‌صورت تمام در تحلیل اطلاعات حسی ورودی استفاده نمی‌شوند قابل توجه است (Lavie & Fockert, 2005: 673)

**راهبری و تصمیم‌گیری:** این مؤلفه که مشتمل بر مضامین تجانس راهبر و راه‌جو، اهمیت داشتن راهبر خوب، انتخاب آگاهانه راهبر است، بیانگر اهمیت راهبری بر امر تصمیم‌گیری است. از مباحث بنیادین در عرفان، داشتن راهبر است، مولانا نیز در مثنوی این نکته را بازگو می‌کند که بدون داشتن راهبر امکان طی مسیر، امری سخت و طاقت‌فرساست.

**تجانس راهبر و راه‌جو:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت ۳۴۶۲؛ دفتر چهارم: بیت‌های ۲۶۵۳، ۲۶۵۴، ۲۶۷۱ و ۳۶۴۲؛ دفتر ششم: بیت ۱۳۰۸) استخراج شده است. در اندیشه مولانا تجانس راهبر و راه‌جو به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در فرایند تصمیم‌گیری و پیشبرد اهداف معرفی می‌گردد. وی بر

اهمیت هماهنگی فکری میان این دو تأکید دارد و باور دارد این تجانس می‌تواند به هم‌افزایی در مسیر زندگی و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه منجر شود.

مصطفی را رای‌زن صدیق رب رای‌زن بوجهل را شد بولهب

(مثنوی، دفتر ۴، ۲۶۵۴)

اهمیت داشتن راهبر خوب: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت‌های ۱۴۴۴ و ۲۹۷۴؛ دفتر دوم: بیت‌های ۲۱۵۴، ۲۲۱۶، ۲۲۲۱، ۲۵۹۰، ۳۰۰۶، ۳۴۴۲ و ۳۷۰۹؛ دفتر سوم: بیت‌های ۱۴۴۶ و ۱۵۴۸؛ دفتر چهارم: بیت‌های ۶۰۲، ۶۰۳ و ۱۹۹۸؛ دفتر پنجم: بیت ۱۶۹؛ دفتر ششم: بیت ۵۱۰) استخراج شده است. در اندیشه مولانا اهمیت داشتن راهبر خوب به‌عنوان یکی از ارکان موفقیت در تصمیم‌گیری بیان می‌شود. وی بر این باور است که راهبر آگاه و خردمند می‌تواند به فرد کمک کند تا مسیر درست را بیابد و از اشتباهات اجتناب کند.

گفت حق اندر سفر هر جا روی باید اول طالب مردی شوی

(مثنوی، دفتر ۲، ۲۲۲۱)

انتخاب آگاهانه راهبر: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت ۲۶۵۵؛ دفتر دوم: بیت ۲۹۸۵؛ دفتر ششم: بیت‌های ۲۶۱۷ و ۲۶۱۹) استخراج شده است، بر اهمیت انتخاب آگاهانه راهبر تأکید دارد. در اندیشه مولانا انتخاب آگاهانه راهبر به‌عنوان یکی از ارکان تصمیم‌گیری صحیح معرفی می‌شود. وی تأکید دارد که شناخت دقیق ویژگی‌های راهبر و درک پیامدهای انتخاب او، می‌تواند به کاهش خطرات و افزایش موفقیت در تصمیم‌گیری منجر شود.

در مجالس می‌طلب اندر عقول آن‌چنان عقلی که بود اندر رسول

(مثنوی، دفتر ۶، ۲۶۱۷)

آن‌چه که در راهبری حائز اهمیت است آن‌که تجانس و سنخیت داشتن راهبر و راهجو است. مولوی باور دارد جنسیت عنصری اعجاب‌انگیز در جذب و کشش بین چیزهایی است که اشتراکاتی دارند. وی با به‌کار بردن حکایت‌های مختلف، بیان می‌کند زیر بنای جهت‌گیری و تمایل انسان به چیزی یا روی‌گردانی از آن تحت تأثیر مسئله تجانس و سنخیت است. همچنین جلال‌الدین محمد سنخیت را امری درونی می‌داند نه صوری (شاکری و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۳). مولانا راهبران را همچون نوری می‌داند که راهجویان را به سمت حقیقت و روشنایی راهبری می‌کنند و تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر تصمیمات افراد دارند، از همین رو اهمیت راهبر خوب و انتخاب آگاهانه راهبر تأکید بسیاری دارد. راهبران با داشتن تجربه و فهم عالی می‌توانند



راهجویان را در مسیر حقیقت راهبری کرده و بر تصمیمات آن‌ها تأثیرگذار باشند. کارل گوستاو یونگ Carl Gustav Jung روان‌شناس برجسته سوئیسی در تبیین کهن‌الگوها که از مشهورترین اصطلاحات مکتب وی است، در بیان کهن‌الگو پیر خردمند که با راهبری در اندیشه مولانا نزدیک است، این‌گونه بیان می‌کند که آن اسطوره برای وادار کردن انسان به تصمیم، وی را به تأخیر در تصمیم و خویشتن‌داری ترغیب می‌کند به این خاطر که به خطرهای راه آگاه است (گرچی و تمیم‌داری، ۱۳۹۱: ۱۵۵). در مطالعات مدیریت، سرسپردگی و وفادار بودن به مدیر می‌تواند ناخودآگاه بر فرایند تصمیم‌گیری مؤثر بوده و احتمال تحریف داده‌ها را در ذهن فرد بالا می‌برد (نادری، ۱۳۹۲: ۱۱۷؛ Reyna & et al, 2015: 123).

**نگرش در تصمیم‌گیری:** این مؤلفه که مشتمل بر مضامین تأثیر شخصیت، تأثیر انگیزه، غرض مانع نگرش صحیح و داشتن نگرش جامع است، بیانگر نگرش در تصمیم‌گیری در بافت تصمیم‌گیری است.

**تأثیر شخصیت:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر دوم: بیت‌های ۲۳۵۵ و ۲۳۶۲؛ دفتر پنجم: بیت ۳۸۴۹؛ دفتر ششم: بیت ۱۲۵۰) استخراج شده است. مولانا به نقش شخصیت انسان در فرایند تصمیم‌گیری و کیفیت آن اشاره می‌کند. در اندیشه مولانا، شخصیت انسان همچون یک بنیاد است که تمام اعمال و انتخاب‌های او از آن سرچشمه می‌گیرد.

سگ کند آهنگِ درویشان به خشم درکشَد مَه، خاکِ درویشان به چشم

(مثنوی، دفتر ۲، ۲۳۵۵)

**تأثیر انگیزه:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت‌های ۶۳۵ و ۶۳۶؛ دفتر دوم: بیت ۱۶۹۷؛ دفتر ششم: بیت ۲۸۷۰) استخراج شده است. مولانا بر اهمیت تأثیر انگیزه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی تصمیم‌گیری تأکید دارد، انگیزه نیروی پیش‌برنده در تصمیم‌گیری‌های انسانی است که می‌تواند کیفیت تصمیمات را ارتقا دهد.

در هر آن کاری که می‌لسستت بدان قدرت خود را همی بینی عیان

(مثنوی، دفتر ۱، ۶۳۵)

**غرض مانع نگرش صحیح:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت ۳۳۴؛ دفتر دوم: بیت‌های ۱۸۱۰، ۱۸۱۲، ۱۸۱۴ و ۲۷۲۳؛ دفتر سوم: بیت‌های ۶۶ و ۲۹۵۶؛ دفتر پنجم: بیت‌های ۷۶۸، ۷۷۳، ۱۴۱۴ و ۳۰۵۶؛ دفتر ششم: بیت‌های ۷۶۶، ۲۸۷۱، ۲۸۷۳ و ۳۴۶۱) استخراج شده است. در اندیشه مولانا تأثیر غرض‌ورزی بر توانایی انسان در تحلیل صحیح و تصمیم‌گیری آگاهانه اشاره شده است. از دیدگاه او، غرض‌ورزی، مانع نگرش صحیح بوده و مسیر تفکر و تصمیم‌گیری را منحرف می‌کند.

چون غرض آمد هنر پوشیده شد صد حجاب از دل به‌سوی دیده شد

(مثنوی، دفتر ۱، ۳۳۴)

داشتن نگرش جامع: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر سوم: بیت‌های ۹۴ و ۴۹۸؛ دفتر پنجم: بیت ۳۴۸۴؛ دفتر ششم: بیت ۳۳۶۹) استخراج شده است. در اندیشه مولانا انسان باید از محدودیت‌های دیدگاه جزئی‌نگر فراتر رود و تمامی ابعاد، پیامدها، و زوایای یک مسئله را در نظر بگیرد. نگرش جامع در اندیشه مولانا به معنای نگاهی کل‌نگر است که به‌جای تمرکز صرف بر جزئیات یا منافع کوتاه‌مدت، به اثرات بلندمدت و ارتباطات گسترده‌تر مسائل توجه دارد.

مو بمو بیند ز صرفه حرص انس رقص بی‌مقصود دارد همچو خرس

(مثنوی، دفتر ۳، ۹۴)

این‌که آدمی آن‌چه را مایل به آن نیست به تقدیر الهی مربوط می‌داند، در اندیشه مولانا پذیرفتنی نیست. در اندیشه مولانا، شخصیت بر نگرش فرد تأثیرگذار است. وی باور دارد که شخصیت انسان شکل‌دهنده نگرش اوست و براساس شخصیت خود، هر فرد به‌صورت متفاوتی به جهان نگاه می‌کند، در واقع شخصیت فرد نقش مهمی در تجربه و تفسیر واقعیت دارد. به باور مولانا دیدگاه جامع امکان می‌دهد که فرد از دیدگاه‌های محدود فراتر رفته و فهمی جامع از هستی بیابد. پژوهش‌های در حیطه مدیریت نشان داده است سبک‌های تصمیم‌گیری تحت‌تأثیر شخصیت‌های مختلف افراد قرار دارد، آن‌چنان که در موقعیت‌های یکسان افراد تصمیم‌های مختلفی می‌گیرند که در واقع بیانگر تأثیر شخصیت بر تصمیم‌گیری است (میکائیلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۸). در پژوهشی که پیرامون الگوی تصمیم‌گیری مدیران مبتنی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه انجام شد، در مقوله حسن تدبیر به مفهوم جامع‌نگری براساس خطبه ۴۳ و نامه ۵۳ نهج‌البلاغه اشاره گردیده است، آن‌جا که حضرت امیر (ع) خطاب به مالک‌اشتر می‌فرمایند «نباید بدین بهانه که به کارهای بزرگ می‌پردازی، از کارهای کوچک غافل بمانی». جامع‌نگری مفهومی است که در تصمیم‌گیری می‌بایست به آن توجه کافی داشت (خسروآبادی و رضایی‌منش، ۱۳۹۴: ۷۷).

مشورت و همراهی در تصمیم‌گیری: این مؤلفه که از مجموعه مضامین تفسیری اهمیت مشورت، لزوم توجه به باطن در انتخاب همراه و جست‌وجوی همراه متجانس تشکیل شده است، بیانگر تأثیرگذاری این مقوله بر امر تصمیم‌گیری است.

اهمیت مشورت: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت‌های ۱۰۴۴، ۱۵۵۴ و ۳۰۱۹؛ دفتر دوم: بیت ۳۱۸۴؛ دفتر سوم: بیت‌های ۱۱۵۷ و ۱۵۳۶؛ دفتر چهارم: بیت ۱۹۷۱) استخراج شده است، به نقش کلیدی مشورت در اندیشه مولانا پیرامون فرایند تصمیم‌گیری می‌پردازد. در باور وی، خرد جمعی حاصل از

مشورت، فرد را از محدودیت‌های تفکر فردی رها کرده و او را به تصمیماتی جامع‌تر، آگاهانه‌تر و مؤثرتر سوق می‌دهد.

گفت پیغمبر بکن ای رایزن مشورت کالمستشار موتمن

(مثنوی، دفتر ۱، ۱۰۴۴)

لزوم توجه به باطن در انتخاب همراه: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت‌های ۲۸۹۵ و ۲۸۹۶؛ دفتر دوم: بیت ۲۴۲۰؛ دفتر چهارم: بیت‌های ۷۲۵ و ۲۶۲۶؛ دفتر ششم: بیت ۳۹۶) استخراج شده است. مولانا بر اهمیت دقت و ژرف‌نگری در انتخاب همراه تأکید دارد. به باور وی ظاهر افراد نباید ملاک اصلی برای انتخاب همراه باشد، بلکه باید به باطن و جوهره وجودی آنان توجه شود، از این جهت تحلیل روابط انسانی و تصمیم‌گیری حائز اهمیت است.

منگر اندر نقش و اندر رنگِ او بنگر اندر عزم و در آهنگِ او

(مثنوی، دفتر ۱، ۲۸۹۵)

جست و جوی همراه متجانس: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت ۲۸۹۴؛ دفتر دوم: بیت‌های ۲۲۱۷ و ۲۳۴۹؛ دفتر سوم: بیت‌های ۱۹۴۵، ۱۹۴۶، ۱۹۶۳ و ۴۷۳۰؛ دفتر چهارم: بیت‌های ۱۶۳۸، ۲۲۱۰، ۲۲۳۱ و ۲۶۹۸) استخراج شده است، که مولانا بر اهمیت یافتن همراهی متجانس تأکید می‌کند. در اندیشه وی برای رسیدن به اهداف متعالی و اتخاذ تصمیمات صحیح، لازم است انسان با افرادی همراه شود که با وی متجانس، هم‌سو و هماهنگ باشند.

مردِ حَاجی، هم‌ره حاجی طلب خواه هندو، خواه ترک و یا عرب

(مثنوی، دفتر ۱، ۲۸۹۴)

مولانا باور دارد مشورت کردن سبب افزایش سطح درک و هوشیاری می‌شود و این مسئله بر فرایند تصمیم‌گیری تأثیر به‌سزایی دارد، در عین حال هر کسی را نیز برای مشورت مناسب نمی‌داند و معتقد است طرف مشورت می‌بایست صلاحیت‌هایی را داشته باشد.

چون ز تنهایی تو نومیدی شوی زیر سایه یار، خُرشیدی شوی

رو بجو یارِ خدایی را تو زود چون چنان کردی، خدا یارِ تو بود

(مثنوی، دفتر ۲، ۲۳-۲۲)

مولانا یار نیک‌سیرت را سبب تصمیم‌سازی‌ها و یافتن راه‌های خردمندانه می‌داند. هر انسانی جهت اتخاذ تصمیم نیازمند مشورت با دیگران است، زیرا بهره‌گیری از اندیشه و تجربیات دیگران سبب کاهش اشتباهات و پیشیمانی‌ها می‌شود.

مشورت در کارها واجب شود تا پیشیمانی در آخر کم بود

(مثنوی، دفتر ۲، ۲۲۶۸)

در اندیشه مولانا، مشورت و همراهی نقش قابل توجهی در فرایند تصمیم‌گیری ایفا می‌کند. مشورت سبب می‌شود دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی به اشتراک گذاشته شود و از همین تنوع و غنای دیدگاه‌ها، راه‌حل‌های بهتری ایجاد می‌گردد. نظریه‌پردازان بسیاری در مدیریت بر اهمیت تصمیم‌گیری مشارکتی تأکید داشتند همچون میلر\*، لیکرت<sup>†</sup>، هرسی و بلانچارد<sup>‡</sup> و اسمیت<sup>□</sup> (Goethals & et al, 2004: 322). در پژوهشی که هوی\*\* (۱۹۹۵) پیرامون ساختارهای تصمیم‌گیری انجام داد پنج ساختار را عنوان می‌کند که مشورت را نیز شامل می‌شود (هوی و میسکل<sup>□□</sup>، ۱۳۹۶: ۴۲۲). در تصمیم‌گیری مشورتی تصمیم‌گیرنده جهت کسب اطلاعات کامل‌تر مشورت می‌کند و بعد اقدام به تصمیم‌گیری می‌نماید. مسئله قابل ملاحظه آن‌که در تصمیم‌گیری مشورتی نیز امکان خطا وجود دارد (عظیم‌زاده اردبیلی و افضل‌ی قادی، ۱۳۹۹). بریدج<sup>□□</sup> (۱۹۶۷) با بیان آن‌که با چه کسانی در تصمیم‌گیری می‌توان مشارکت داشت، دو معیار ارتباط و تخصص را بیان می‌کند (English, 2006: 272).

تصمیم‌گیری متناسب با ویژگی و ظرفیت‌های روانی: این مؤلفه که از مجموعه مضامین تفسیری تفاوت شخصیت افراد در تصمیم‌گیری و تجانس تصمیم‌گیرنده و هدف تشکیل شده است، بیانگر تأثیر ویژگی و ظرفیت‌های روانی بر امر تصمیم‌گیری است.

تفاوت شخصیت افراد در تصمیم‌گیری: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت‌های ۱۶۰۴ و ۲۶۰۳؛ دفتر دوم: بیت ۱۴۹؛ دفتر سوم: بیت ۴۶۷۰) استخراج شده است، به تأثیر ویژگی‌های شخصیتی در فرایند تصمیم‌گیری در اندیشه مولانا تأکید می‌کند. به باور وی تصمیم‌گیری یک فرایند منحصر به فرد است که به شخصیت فرد وابسته است.

\* Miller

† Likert

‡ Hersey & Blanchard

§ Smith

\*\* Hoy

†† Miskel

‡‡ Bridges

گر ولی زهری خورد نوشی شود      ور خورد طالب سیه هوشی شود

(مثنوی، دفتر ۱، ۲۶۰۳)

**تجانس تصمیم‌گیرنده و هدف:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر دوم: بیت‌های ۸۳، ۲۶۱۴، ۲۸۵۹ و ۳۷۶۸؛ دفتر سوم: بیت‌های ۱۶۱۸، ۴۴۳۷، ۴۴۳۸، ۴۴۳۹، ۴۴۴۰ و ۴۴۴۱؛ دفتر چهارم: بیت‌های ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۶۴۰ و ۳۶۴۱؛ دفتر ششم: بیت‌های ۱۸۸۸، ۳۰۱۹، ۳۸۸۴ و ۳۹۵۰) استخراج شده است، بر اهمیت تجانس میان تصمیم‌گیرنده و هدفی که دنبال می‌کند در اندیشه مولانا تأکید دارد. این تجانس به معنای تطابق میان ارزش‌ها، باورها، و انگیزه‌های فرد با ماهیت و نتایج هدف است.

قصد ایشان جز سیه‌رویی نبود      خیر دین کی جست ترسا و جهود؟

(مثنوی، دفتر ۲، ۲۸۹۵)

مفهوم شخصیت که در واقع مجموع ویژگی‌های پایدار فرد است که او را منحصر به فرد می‌کند، ساختاردهنده رفتار وی است. البته پایدار بودن به معنای عدم تغییر نیست، زیرا به باور مولانا آدمی می‌تواند تغییرات بنیادی در خویشتن ایجاد کند که به تدریج امکان‌پذیر بوده و به جهد و کوشش فراوان و ارشاد راهبری خردمند نیازمند است (اعلمی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲). شخصیت افراد بر تصمیماتی که اخذ می‌کنند تأثیرگذار است و هم‌چنین افراد میل به اهدافی دارند که نسبت به آن سنخیت دارند. مولانا سنخیت را عامل اصلی جذب پدیده‌ها به یکدیگر می‌داند.

در جهان هر چیز چیزی جذب کرد      گرم، گرمی را کشید و سرد، سرد

(مثنوی، دفتر ۲، ۸۱)

در اندیشه مولانا، تصمیم‌گیری با ویژگی و ظرفیت‌های روانی هماهنگ است. مولانا بر اهمیت تفاوت شخصیت افراد در تصمیم‌گیری و تجانس تصمیم‌گیرنده و هدف تأکید دارد. افراد اهدافی را در تصمیماتشان اتخاذ می‌کنند که متناسب با ظرفیت‌ها و ویژگی‌های روانی آن‌هاست. نظریه‌های تیپ‌های شخصیتی یا ریخت‌شناسی یونگ، یکی از پرکاربردترین نظریه‌هایی است در توضیح تفاوت‌های شخصیتی افراد به کار گرفته می‌شود. تیپ‌شناسی شخصیت مایرزبریگز\* که براساس نظریه تیپ‌شناسی شخصیت یونگ ایجاد شده است بر پایه تفاوت‌های افراد در تصمیم‌گیری و ادراک شانزده تیپ شخصیتی را بیان می‌کند که با توجه به ویژگی‌های هر یک از تیپ‌های شخصیتی انتظار می‌رود هر تیپ سبک تصمیم‌گیری متناسب با آن را داشته باشد (آهنگی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۰). اریک فروم<sup>†</sup> در دسته‌بندی ویژگی‌های شخصیتی این عقیده را داشت

\* Myers-Briggs

† Erich fromm

که افراد به دو دسته زنده‌گرا و مرده‌گرا تقسیم می‌شوند. دسته مرده‌گرا مجذوب نیستی و ویرانی هستند، نگاهشان تنها به گذشته بوده و در آن زیست می‌کنند و به شدت قانون‌گرا هستند حال آن‌که دسته زنده‌گرا مجذوب زندگی، رشد و خلق کردن هستند و نگاهشان به آینده است (حجازی، ۱۳۸۷: ۳۳).

**اراده معطوف به تصمیم:** این مؤلفه که از مجموعه مضامین تفسیری تمرکز در خواست و تصمیم، خطرپذیری، آگاهی عمیق سبب اهداف متعالی، اهمیت اختیار، اهمیت تداوم خواستن و تصمیم به‌مثابه مجال ظهور اسماء الهی تشکیل شده است. در اندیشه مولانا، آدمی نسبت به چیزی که اراده‌اش تعلق می‌گیرد و خواهان است می‌بایست خالصانه تمامی توجه خویش را از آن کند.

**تمرکز در خواست و تصمیم:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت ۱۴۸۳؛ دفتر سوم: بیت‌های ۹۷۹، ۱۴۳۷ و ۳۶۱۴؛ دفتر پنجم: بیت‌های ۱۷۲۹ و ۳۸۰۱؛ دفتر ششم: بیت ۴۰۳۳) استخراج شده است. مولانا بر اهمیت تمرکز در خواست و تصمیم تأکید دارد. در اندیشه وی پراکندگی ذهن و ناهماهنگی در خواسته‌ها و تصمیمات، فرد را از رسیدن به هدف بازمی‌دارد.

صد هزاران نام گر بر هم زدی      قصدِ او و خواهِ او یوسف بُدی

(مثنوی، دفتر ۶، ۴۰۳۳)

**خطرپذیری:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر دوم: بیت ۱۳۷۳؛ دفتر سوم: بیت ۳۰۸۹) استخراج شده است، خطرپذیری را به‌عنوان یکی از عناصر ضروری تصمیم‌گیری مطرح می‌کند. در اندیشه مولانا، انسان جهت اخذ تصمیمات متعالی و بزرگ، باید از موانع ترس و تردید عبور کند و آماده پذیرش ریسک‌های معقول باشد.

پیشِ شاهان گر خطر باشد به جان      لیک نشکيبند از او با همّتان

(مثنوی، دفتر ۲، ۱۳۷۳)

**آگاهی عمیق سبب اهداف متعالی:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر دوم: بیت‌های ۲۴۲۷، ۲۴۳۰ و ۲۴۳۱؛ دفتر چهارم: بیت ۵۷۵) استخراج شده است، بر اهمیت آگاهی عمیق و بینش روشن به‌عنوان پیش‌شرطی برای تعیین اهداف متعالی در تصمیم‌گیری تأکید می‌کند. در اندیشه مولانا، شناخت عمیق از خود، هستی و ارزش‌های بنیادین، انسان را به سوی انتخاب اهدافی سوق می‌دهد که با جوهره وجودی او همسو باشند و معنای زندگی را متحول کنند.

طالب علم است بهر عام و خاص      نی که تا یابد از این عالم خلاص

(مثنوی، دفتر ۲، ۲۴۳۱)

**اهمیت اختیار:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر دوم: بیت‌های ۲۵۴۴ و ۲۵۴۵؛ دفتر سوم: بیت ۳۶؛ دفتر پنجم: بیت‌های ۳۰۴۶ و ۳۰۵۰) استخراج شده است، به جایگاه و اهمیت اختیار به‌عنوان یکی از ارکان اساسی تصمیم‌گیری تأکید دارد. در اندیشه مولانا اهمیت استفاده آگاهانه از این موهبت الهی و پذیرش مسئولیت تصمیمات حائز اهمیت است. این نگرش بر تعامل میان اراده انسانی و تقدیر الهی تأکید دارد.

آکل و ماکول را حلقست و نای غالب و مغلوب را عقلست و رای

(مثنوی، دفتر ۳، ۳۶)

**اهمیت تداوم خواستن:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر سوم: بیت‌های ۱۴۳۹، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳ و ۱۴۴۴) استخراج شده است، تداوم خواستن را یکی از عوامل کلیدی در تصمیم‌گیری موفق می‌داند. در اندیشه مولانا پایداری در مسیر انتخاب‌شده و تلاش مداوم در امر خواستن در فرایند تصمیم‌گیری حائز اهمیت است.

تو به هر حالی که باشی می طلب آب می جو دائماً ای خشک‌کلب

(مثنوی، دفتر ۳، ۱۴۳۹)

**تصمیم به‌مثابه مجال ظهور اسماء الهی:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر چهارم: بیت ۳۵۸۸؛ دفتر پنجم: بیت‌های ۵۷۶، ۶۲۶، ۹۵۷ و ۱۵۵۶؛ دفتر ششم: بیت‌های ۱۲۶۷ و ۲۱۵۱) استخراج شده است. در اندیشه مولانا تصمیم‌گیری می‌تواند عرصه‌ای برای ظهور اسماء الهی باشد. این نگرش، تصمیم‌گیری را از سطحی صرفاً عقلانی به سطحی معنوی و تجلی اسماء الهی ارتقا می‌دهد.

چون مراد و حکم یزدان غفور بود در قدمت تجلی و ظهور

(مثنوی، دفتر ۶، ۲۱۵۱)

در اندیشه مولانا اقدامات فرد از اختیار ناشی می‌شود که پیامدهای هر اقدام مشخص است. مولانا باور به توان ساختن خویش دارد و محتوم بودن زیستن را نمی‌پذیرد. مسئله اختیار مؤلفه مهم مسئولیت‌پذیری را به همراه می‌آورد. مسئولیت داشتن در قبال تصمیمات که این مسئولیت‌پذیری سبب رشد فرد و در نتیجه رشد فرایند تصمیم‌گیری می‌شود. از جمله آموزه‌های بنیادین عرفان، پی بردن به امر «درونی کردن خدا» در آدمی است، مسئله‌ای که ارتباطی عمیق با مفاهیمی چون وحدت وجود و تجلیات اسماء الهی دارد (امینی و مظفری، ۱۳۹۳: ۱۲). این امر حاصل این باور است که مقام حق بی‌نهایت وجود است و فراتر از عقل و وهم آدمی است، آنچه از مقام حق قابل ادراک است تجلیات اسماء اوست و تصمیم به‌مثابه مجال ظهور اسماء الهی است.

هر چه اندیشی پذیرای فناست آن‌که در اندیشه نآید، آن خداست

(مثنوی، دفتر ۲، ۳۱۰۷)

در اندیشه مولانا، انسان در مواجهه با چالش‌ها می‌تواند به رشد و تکامل عمیق‌تری دست یابد. برای دستیابی به حقیقت و آگاهی عمیق آدمی می‌بایست از محدوده امن ذهنی خویش خارج شود. خطرپذیری در تصمیم‌گیری مضمونی قابل توجه در مثنوی مولانا است براساس پژوهش‌های انجام‌شده، افراد در وضعیت تصمیم‌گیری به شیوه‌های گوناگونی نسبت به دست آوردن (نفع) و از دست دادن (زیان) واکنش نشان می‌دهند. به بیان دیگر در رویارویی با منفعت مخاطره‌گریز و در رویارویی با زیان مخاطره‌پذیر هستند. افرادی که در وضعیت‌های همراه با نفع قرار می‌گیرند انتخاب کم مخاطره را برگزیده در صورتی که آن‌ها که در وضعیت همراه با زیان قرار می‌گیرند انتخاب پر مخاطره را برمی‌گزینند (تقی‌یاره و کریمی، ۱۳۸۹: ۳).

ارزش‌ها: این مؤلفه که از مجموعه مضامین تفسیری لزوم هم راستایی تصمیم با غایات الهی، توجه به منابع معنوی و سوءاستفاده از ارزش‌ها جهت رسیدن به اهداف تشکیل شده است. مولانا در مثنوی با واکاوی رفتارهای انسانی، علت قابل توجهی از گمراهی‌ها و تباهی‌های فرد و جامعه را در تبعیت از ضد ارزش‌ها می‌داند. در اندیشه وی نیکی و بدی معنایی مطلق نداشته و معرفت آدمی نسبت به حقیقت هستی، نسبی و ناکامل است (سیدالشهدایی و ماحوزی، ۱۳۹۳: ۷۵).

لزوم هم راستایی تصمیم با غایات الهی: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر سوم: بیت‌های ۸۷، ۲۹۸۶، ۲۹۸۷، ۲۹۸۸، ۲۹۸۹، ۲۹۹۰، ۲۹۹۲ و ۳۳۰۱؛ دفتر چهارم: بیت‌های ۲۰۴۱ و ۳۳۷۱؛ دفتر پنجم: بیت ۲۰۵۵؛ دفتر ششم: بیت ۲۷۷۸) استخراج شده است، بر اهمیت هم‌راستایی تصمیمات با غایات الهی تأکید می‌کند. در اندیشه مولانا تصمیم‌گیری‌ها باید در جهت اراده الهی و غایت متعالی خلقت انسان باشد. آدمی را هست در هر کار دست لیک ازو مقصود این خدمت بدست

(مثنوی، دفتر ۳، ۲۹۸۷)

توجه به منابع معنوی: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت ۱۹۱۹؛ دفتر سوم: بیت‌های ۱۴۴۷، ۱۶۵۵، ۱۶۶۸ و ۳۲۷۴) استخراج شده است. در اندیشه مولانا منابع معنوی، به‌عنوان سرچشمه‌هایی از حکمت و بصیرت می‌توانند نقشی کلیدی در تصمیم‌گیری ایفا کنند. مولانا باور دارد که انسان باید در فرایند تصمیم‌گیری، از این منابع بهره‌گیرد تا به شناخت عمیق‌تری از حقایق دست یابد و تصمیماتی آگاهانه اتخاذ کند.

انبیا را در درون هم نغمه‌هاست طالبان را زان حیات بی‌بهاست



(مثنوی، دفتر ۱، ۱۹۱۹)

سوءاستفاده از ارزش‌ها جهت رسیدن به اهداف: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت ۲۳۳۸؛ دفتر دوم: بیت‌های ۶۴۵ و ۲۸۲۹؛ دفتر سوم: بیت ۲۲۳۳؛ دفتر پنجم: بیت ۲۵۸۱؛ دفتر ششم: بیت ۲۴۱۴) استخراج شده است. در اندیشه مولانا ارزش‌ها باید به‌عنوان راهنمای تصمیم‌گیری و نیل به اهداف متعالی استفاده شوند، نه به‌عنوان ابزاری برای منافع زودگذر، این نگرش بر اهمیت اصالت و خلوص در استفاده از ارزش‌ها تأکید دارد.

نام حقم بست نی آن رای تو نام حق را دام کردی وای تو

(مثنوی، دفتر ۱، ۲۳۳۸)

انسان با شناخت ارزش‌های حقیقی خویش می‌تواند مسیر زیستن خویش را بشناسد. در اندیشه مولانا ارزش‌ها نقش مهمی در جهت‌دهی به تصمیم‌گیری افراد ایفا می‌کنند. مولانا با بیان حکایت‌ها، این ایده را ارائه می‌دهد که انسان باید تصمیمات خود را براساس راهبرد و هدایت الهی بگیرد، از همین رو هم‌راستایی تصمیمات با غایات الهی در باور مولانا حائز اهمیت است. تصمیمات افراد فارغ از ارزش‌های آن‌ها نیست. باورها و ارزش‌ها در میان انسان‌ها متفاوت است، ارزش‌ها امری تغییرپذیر است که با تجربه و آموزش می‌تواند تغییر یابد. انسانی که نوع‌دوستی از ارزش‌های اوست تصمیم‌ها و رفتارهای متفاوتی نسبت به فردی که با چنین ارزشی بیگانه است دارد (نادری، ۱۳۹۲: ۱۱۷). عصب‌شناسان در اوایل قرن بیستم پژوهش‌هایی پیرامون بازنمایی‌های نورونی پیرامون ارزش‌ها را آغاز کردند. این پژوهش‌ها بیانگر آن بود که قشر مخ پیشانی مغز در ارتباط با ارزش‌ها و سنجش آن‌هاست که تصمیم‌گیری متأثر از آن‌هاست (Harackiewicz, 2000: 316).

تأثیر عشق در تصمیم‌گیری: این مؤلفه که از مجموعه مضامین تفسیری تأثیر مهر و محبت، مقام تفویض، مقام تبتل و عشق مجازی خالصانه سبب عشق حقیقی تشکیل شده است. در عرفان، عشق اساس و بنیاد هستی است و پایه زندگی بر آن نهاده شده است. مولانا عشق را راز خلقت و علت بقای عالم می‌داند. در اندیشه مولانا عشق عاملی است که سبب رسیدن به محبوب حقیقی می‌شود. مفهوم عشق در جای جای مثنوی عیان است و مؤلفه‌ای حائز اهمیت در تصمیم‌گیری است.

تأثیر مهر و محبت: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت ۲۴۳۱؛ دفتر سوم: بیت ۳۸۰۶؛ دفتر پنجم: بیت ۷۴۷؛ دفتر ششم: بیت‌های ۲۶۷۵ و ۴۱۱۴) استخراج شده است، مهر و محبت را یکی از نیروهای بنیادین در تصمیم‌گیری می‌داند. در اندیشه مولانا محبت، نه تنها عاملی برای تقویت روابط انسانی و اجتماعی است، بلکه بر فرایند تصمیم‌گیری نیز تأثیرگذار است.

گفت المرء مع محبوبه لا یفک القلب من مطلوبه

(مثنوی، دفتر ۵، ۷۴۷)

مقام تفویض: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت‌های ۹۲۲، ۱۷۴۸، ۲۷۹۹، ۲۸۰۰، ۳۰۳۳، ۳۰۳۴ و ۳۸۱۲؛ دفتر دوم: بیت ۶۸۸؛ دفتر سوم: بیت‌های ۱۸۸۲، ۱۸۸۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۲۷۸۰ و ۲۷۸۱؛ دفتر پنجم: بیت ۲۶۹۶؛ دفتر ششم: بیت‌های ۲۳۲۴، ۲۷۶۲ و ۴۲۳۷) استخراج شده است. در اندیشه مولانا مقام تفویض به‌عنوان یکی از اصول بنیادین تصمیم‌گیری مطرح می‌شود. تفویض در اندیشه مولانا، نه به معنای نفی اراده و تلاش انسانی است و نه تکیه مطلق بر قضا و قدر، بلکه رویکردی تلفیقی است که هم بر مسئولیت‌پذیری و هم بر اعتماد به نظام الهی تأکید دارد.

دید ما را دید او نعم العوض یابی اندر دید او کل غرض

(مثنوی، دفتر ۱، ۹۲۲)

مقام تبتل: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر دوم: بیت ۳۱۷۳؛ دفتر سوم: بیت ۲۹۳۴؛ دفتر چهارم: بیت ۵۴؛ دفتر پنجم: بیت‌های ۴۰۵۹ و ۴۰۶۲؛ دفتر ششم: بیت‌های ۲۳۵۲ و ۳۳۲۶) استخراج شده است. مقام تبتل به انسان کمک می‌کند تا به شفافیت ذهنی و آرامش درونی دست یابد و تصمیم‌گیری‌های او با تعهد به ارزش‌های معنوی و غایات الهی همسو شود. در اندیشه مولانا مقام تبتل در فرایند تصمیم‌گیری نقشی مهم ایفا می‌کند.

دلبر و مطلوب با ما حاضرست در نثار رحمتش جان شاکرست

(مثنوی، دفتر ۳، ۲۹۳۴)

عشق مجازی خالصانه سبب عشق حقیقی: این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر سوم: بیت‌های ۲۱۳۵ و ۲۱۳۷؛ دفتر ششم: بیت ۳۱۳۸) استخراج شده است، عشق مجازی خالصانه را سبب عشق حقیقی دانسته که بر فرایند تصمیم‌گیری تأثیرگذار است. در اندیشه مولانا عشق خالصانه باعث دستیابی به درک عمیق‌تری از عشق می‌شود که می‌تواند زمینه‌ساز ارتقا و تعالی فرایند تصمیم‌گیری شود. با خیالی میل تو چون پر بود تا بدان پر بر حقیقت بر شود

(مثنوی، دفتر ۳، ۲۱۳۵)

در مقام عشق است که مفاهیم عالی همچون تفویض و تبتل معنا می‌یابند. در جهان‌بینی ویژه مولانا، عشق مجازی که خالصانه باشد فرد را به عشق حقیقی رهنمون می‌کند.

خوب رویان آینه خوبی او عشق ایشان عکس مطلوبی او

(مثنوی، دفتر ۶، ۳۱۳۸)

مولانا با تأکید بر تأثیر مهر و محبت بر تصمیم‌گیری بیان می‌دارد که افراد می‌بایست به این مسئله توجه داشته باشند که چگونه تصمیمات آن‌ها می‌تواند بازتابی از عشق باشد. در اندیشه مولانا مقام تبتل که جلوه‌ای از عشق است می‌تواند سبب رشد فرد و تحول در امر تصمیم‌گیری باشد چنان‌که بر زمینه تصمیم‌گیری تأثیر به‌سزایی می‌گذارد. تأثیر عشق بر تصمیم‌گیری آن‌چنان است که فرد می‌تواند فراتر از خواسته‌های متمرکز بر خود و انگیزه‌های شخصی رفته و فهمی عمیق‌تر از حقیقت هستی را دریابد و در این طریق مجموعه تصمیماتی را اتخاذ کند. عشق مفهومی گسترده است. در پژوهش‌های مدیریت اشتیاق را که ریشه آن عشق و محبت است، غیر از عکس‌العمل‌های احساسی فرد دانسته که آگاهانه به دست آمده و در فعالیت‌های مربوط به نقش‌های هویت فردی برانگیخته می‌شود (Cardon & et al, 2009: 1). اشتیاق می‌تواند سبب برانگیختن انگیزه شده و خلاقیت را رشد دهد. براساس پژوهش‌های انجام‌شده با رشد اشتیاق، توانمندی فرد جهت حل موقعیت‌های پرچالش بیشتر می‌گردد (Ho & et al, 2011: 26).

**عقلانیت در تصمیم‌گیری:** این مؤلفه که از مجموعه مضامین تفسیری تمایل به درک اهداف تصمیم، لزوم تقدم عقلانیت بر نفسانیات در تصمیم‌گیری، تشخیص منافع و آسیب‌های حقیقی، پرهیز از عقلانی‌سازی امور نفسانی و عاقبت‌اندیشی تشکیل شده است.

**تمایل به درک اهداف تصمیم:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت ۸۹۹؛ دفتر دوم: بیت‌های ۱۸۱۸، ۱۸۲۱ و ۱۸۸۴؛ دفتر پنجم: بیت ۳۵۷۵) استخراج شده است. مولانا تأکید می‌کند که تصمیم‌گیری‌های انسان باید با درک عمیق و آگاهی نسبت به اهداف و پیامدهای آن همراه باشد. در اندیشه وی، درک اهداف تصمیم انسان را از تصمیم‌گیری‌های سطحی و لحظه‌ای فراتر برده و به انتخاب‌های آگاهانه و هدفمند هدایت می‌کند.

بانگ می‌زد کای امیر آخر چرا قصد من کردی؟ چه کردم من تو را؟

(مثنوی، دفتر ۲، ۱۸۸۴)

**لزوم تقدم عقلانیت بر نفسانیات در تصمیم‌گیری:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر اول: بیت ۱۶۰۵؛ دفتر دوم: بیت ۱۸۵۶؛ دفتر چهارم: بیت‌های ۱۴۰۱ و ۱۶۸۴؛ دفتر پنجم: بیت ۲۸۹۳) استخراج شده است. مولانا لزوم تقدم عقلانیت بر نفسانیات را به‌عنوان یکی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری معرفی می‌کند. وی بر این باور است که عقل به‌عنوان نیرویی هدایت‌گر، می‌تواند انسان را به‌سوی انتخاب‌های متعادل، عادلانه و هدفمند هدایت کند.

زَأَخْرُوهُنَّ مُرَادَشِ نَفْسٍ تَوَسُّتِ      كُو بَه آخِر بَايَد وَ عَقَلَت نُخُسْتِ

(مثنوی، دفتر ۲، ۱۸۵۶)

**تشخیص منافع و آسیب‌های حقیقی:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر دوم: بیت ۷۹۰؛ دفتر سوم: بیت‌های ۱۶۴۴ و ۱۶۴۵؛ دفتر پنجم: بیت ۷۵۰؛ دفتر ششم: بیت ۳۶۵۲) استخراج شده است. مولانا بر ضرورت تمایز میان منافع و آسیب‌های ظاهری و حقیقی تأکید می‌کند. وی باور دارد بسیاری از آنچه به ظاهر سودمند یا زیان‌بار به نظر می‌رسد، در لایه‌های عمیق‌تر خود ماهیتی متفاوت دارد و تصمیم‌گیری آگاهانه مستلزم تشخیص منافع و آسیب‌های حقیقی است.

دشمن آن باشد که قصدِ جان کند      دشمن آن نبود که خود جان می‌کند

(مثنوی، دفتر ۲، ۷۹۰)

**پرهیز از عقلانی‌سازی امور نفسانی:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر پنجم: بیت‌های ۲۹۱۸، ۲۹۱۹، ۲۹۲۱، ۲۹۲۳، ۲۹۲۴، ۲۹۲۶ و ۲۹۳۶؛ دفتر ششم: بیت ۲۴۰۷) استخراج شده است. مولانا بر لزوم پرهیز از عقلانی‌سازی امور نفسانی در فرایند تصمیم‌گیری تأکید دارد و این رفتار را مانعی برای دستیابی به حقیقت و تصمیمات معقول و متعالی می‌داند. پرهیز از عقلانی‌سازی امور نفسانی سبب شفاف‌سازی نیت و رهایی از سوگیری‌هایی است که بر تصمیم‌گیرنده تأثیرگذار است. در دفتر پنجم مثنوی در حکایت شیخ محمد سررزی غزنوی که هفت سال روزه داشت در بیان دعوت کردن آن مسلمان مَغ را، این‌گونه عقلانی‌سازی امور نفسانی را منع می‌کند.

چون خدا می‌خواست از من صدق زفت      خواست او چه سود چون پیشش نرفت

(مثنوی، دفتر ۵، ۲۹۱۸)

**عاقبت‌اندیشی:** این مضمون از طریق تحلیل ابیات (دفتر دوم: بیت‌های ۲۹۶، ۲۹۸ و ۷۰۹؛ دفتر سوم: بیت‌های ۱۱۲۹ و ۲۸۶۹؛ دفتر ششم: بیت ۲۲۶۹) استخراج شده است. در اندیشه مولانا عاقبت‌اندیشی یکی از مؤلفه‌های کلیدی در فرایند تصمیم‌گیری است. وی باور دارد توجه به پیامدهای بلندمدت تصمیمات، انسان را به مسیری خردمندانه‌تر، پایدارتر و هماهنگ با اهداف متعالی هدایت می‌کند.

بر گُلُوخِی دَل چَه بِنَدِی اِی سَلِیْم؟      واطلب اصلی که تابد او مُقِیْم

(مثنوی، دفتر ۲، ۷۰۹)

مقوله عقلانیت و خردورزی در ساحت اندیشه مولانا جایگاه ویژه‌ای دارد. فهم و ادراک عاقبت و نهایت هر اقدام که در مقوله عقلانیت بیان می‌گردد سبب تصمیمات رشدیافته‌تری در فرد می‌شود. به باور مولانا

عقلانی‌سازی امور نفسانی می‌تواند سبب گمراهی و تصمیم‌گیری خطا باشد. مولانا در مثنوی بیش از پانصد بار از کلمات عقل و خرد با تعبیرات و اصلاحات متفاوت بهره گرفته است که نشان از اهمیت آن در اندیشه وی دارد. مولانا بر عاقبت‌اندیشی تأکید دارد و درک اهداف تصمیم و ابعاد آن قابل توجه است. در اندیشه مولانا تقدم عقلانیت بر نفسانیات در تصمیم‌گیری حائز اهمیت بوده و پرهیز از عقلانی‌سازی امور نفسانی امری که سبب رشد در تصمیم‌گیری می‌گردد. در پژوهش‌های مدیریت موضوع عقلانیت در تصمیم‌گیری همیشه مورد توجه بوده است که با مفاهیم اقتصاد کلاسیک آغاز شد و سپس با پژوهش‌های پیرامون تورش‌های شناختی در تصمیم‌گیری و محدودیت‌های پیش روی این رویکرد رشد یافت. عقلانیتی که در منظر اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک بر ترجیح همیشگی سود بیشتر بر سود کمتر و ضرر کمتر بر ضرر بیشتر بیانگر آن بود و سپس با در نظر گرفتن آن که تصمیم‌گیرنده عقلایی کامل رفتار نمی‌کند و مجموعه محدودیت‌هایی پیش روی اوست، توانست خود را ارتقا دهد (چمنی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳).

### نتیجه‌گیری

هر تصمیم تحت‌تأثیر پیش‌فرض‌ها و مبانی است، پایه مؤلفه‌های زمینه‌ای در تصمیم‌گیری براساس اندیشه محمد جلال‌الدین محمد مولوی براساس بنیان معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی وی می‌باشد. از سویی پیش‌فرض‌های ویژه‌ای که رویکردهای مطرح تصمیم‌گیری مبنای تبیین‌های خویش قرار داده‌اند، نوعاً با پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی فرهنگ ایرانی اسلامی جامعه ما همخوانی نداشته و از طرفی آموزه‌های غنی ایرانی اسلامی چنان از مفاهیم عالی معرفتی و انسانی برخوردار است که می‌توان مبنای تصمیم‌گیری را از آن استخراج نمود. ادبیات عرفانی ایران که نمونه برجسته آن مثنوی معنوی مولوی است مملو از مفاهیم دقیق پیرامون انسان است که ریشه در آیین و فرهنگ جامعه‌مان دارد و زمینه‌ای مناسب برای استخراج مبنای مذکور است و می‌تواند بستری جهت تدوین الگوی تصمیم‌گیری که متناسب با فرهنگ ایرانی اسلامی است، فراهم آورد. شبکه مضامین طراحی و تبیین مؤلفه‌های زمینه‌ای تصمیم‌گیری براساس اندیشه جلال‌الدین محمد مولوی از ۳۱۲ کد توصیفی، ۴۳ کد تفسیری و یازده مضمون سازمان‌دهنده تشکیل شده است. مولانا بر شناخت خود واقعی و تمرکز بر آن تأکید دارد. در شرایطی که انسان خود را درک کرده و با واقعیت‌های درونی خویشتن، تعارضات درون‌فردی، مجموعه عوامل انگیزاننده آشنا شده باشد، می‌تواند تصمیماتی را اتخاذ کند که با خویشتن واقعی خود هماهنگ هستند. مولانا بر اهمیت مشاهده و تأمل در شرایط محیطی به‌عنوان یک راه برای کسب حکمت و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه تأکید می‌کند. توجه به ادراک شرایط محیطی می‌تواند راهنمایی و بینش‌هایی در مورد مسیر صحیح تصمیم‌گیری باشند. در مثنوی معنوی، تشخیص امور حقیقی از وهمیات و پرهیز از ظاهرنگری بسیار تأکید شده است. مولانا تأکید دارد رابطه راهبری رابطه‌ای متقابل بوده و تجانس راهبر و راهجو قابل ملاحظه است. اختیار داشتن از جمله موارد

پرچالش زندگی آدمی است. باور به این‌که انسان صاحب اختیار است و مسئول انتخاب‌هایش است از ابعاد مهم اندیشه مولاناست. در مثنوی مولانا، غرض‌ورزی می‌تواند مانع نگرش صحیح شود هنگامی که فرد به اهداف ظاهری و غیراصیل متمایل شود و به حقیقت هستی آگاه نباشد. هم‌چنین داشتن دیدگاهی جامع، یک موضوع اساسی در مثنوی معنوی است، هم‌چنین به باور مولانا آگاهی عمیق سبب می‌شود انسان اهدافی متعالی و والا را برگزیند که بر کیفیت تصمیمات وی تأثیرگذار است. آدمی با آگاهی عمیق، تصمیماتی را اتخاذ می‌کند که با حکمت هستی هماهنگ باشد. مولانا به اهمیت ارتباط انسان با خداوند و همگرایی تصمیماتش با اراده الهی تأکید می‌کند و به انسان می‌گوید که در پیوند با خداوند، و توجه به منابع معنوی تصمیماتش را اتخاذ کند. در شالوده فکری مولانا عشق تأثیر قابل توجهی بر امر تصمیم‌گیری دارد، در واقع عشق به‌عنوان جوهری از معنویت و نیروی پیشرو در زمینه کلیه رفتارها تلقی می‌گردد. در واقع عقل سبب می‌گردد فرد به ادراک عمیق‌تر از حقیقت دست یافته و منافع و آسیب‌های حقیقی را تشخیص دهد، چنان‌چه تحلیل و تفکر باعث گشایش ابعاد جدیدی از مضامین در مقابل آدمی می‌گردد.

مولانا در مقام یک نظریه‌پرداز به تدوین نظریه علمی برنیامده است بلکه عارفی است که آرای وی به‌صورت پراکنده بیان گردیده است. از این رو، دستیابی به منظومه فکری وی امری دشوار و سخت است. با توجه به آن‌که تفاسیر متعدد و گوناگونی از ابیات مولانا صورت گرفته است دستیابی به فهمی منسجم از ابیات مولانا نیازمند صرف زمان قابل توجه و ارتباط ممتد با مثنوی پژوهان بود. ظرفیت‌های موجود در آموزه‌های ایرانی - اسلامی بستری غنی جهت شکل‌گیری شیوه‌های نوین تصمیم‌گیری را دارد. دستیابی به این مهم نیز نیازمند یک بازه زمانی میان‌مدت و اهتمام پژوهشگران متعدد و علاقه‌مند و متعهد به مباحث میان‌رشته‌ای است و بنابراین از عهده یک یا چند نفر در زمان کوتاه میسر نیست. با وجود این، نویسندگان پژوهش پیش‌رو، به اقتضای توان و زمان در اختیار و در وسع یک مقاله، با انتخاب مثنوی معنوی جلال‌الدین محمد مولوی، آغازگر این راه شده‌اند و امید است که این راه با همراهی سایر پژوهشگران تا دستیابی به هدف نهایی ادامه یابد. پیشنهادهای ذیل با هدف گسترش افق‌های پژوهشی در زمینه تصمیم‌گیری ارائه می‌شود: طراحی و پیاده‌سازی الگوریتم‌های تصمیم‌گیری با تلفیق ارزش‌های انسانی و معنوی، توسعه چارچوب‌های سنجش ترکیبی جهت ارزیابی ابعاد چندگانه تصمیم‌گیری و مطالعه تطبیقی بین‌فرهنگی در تبیین نقش عقلانیت و معنویت در فرایند تصمیم‌گیری. در پایان قابل‌ذکر است وجود و بهره‌گیری از فضای بین‌رشته‌ای یک از اقدامات لازم جهت فهم و استنباط صحیح و تولید دانش به‌روز است. بدین جهت پژوهش‌گرانی که به امتزاج بین رشته‌های مختلف دانشی راه داشته باشند می‌توانند ایجادکننده آموزه‌های نوینی در این عرصه باشند. دانش تصمیم‌گیری با وجود پژوهش‌هایی که در حیطه آن شده است نیازمند از این جنس پژوهش‌هاست تا بتواند کارتر و عمیق‌تر مسائل جامعه را پاسخگو باشد.

ذره‌گر شود مفتاح‌ها این گشایش نیست جز از کبریا  
چون فراموشست شود تدبیر خویش یابی آن بخت جوان از پیر خویش

(مثنوی، دفتر ۳، ۳۰۷۵-۳۰۷۴)

## فهرست منابع و مآخذ

### کتاب‌ها

- ایمان، محمدتقی و کلاته ساداتی، احمد (۱۳۹۷). فلسفه تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: سمت و پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- ساده، مهدی (۱۳۷۵). روش‌های تحقیق با تأکید بر جنبه‌های کاربردی. تهران: نشر مؤلف
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۶). شرح مثنوی، ۴جلد. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۶). تصمیم‌گیری استراتژیک مطالعه موردی رویکرد موعودگرای شیعه. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۷۲). مثنوی معنوی، شرح و توضیح کریم زمانی. تهران: اطلاعات.
- هوی، وین و میسکل، سیسیل (۱۳۹۶). مدیریت آموزشی نظری، تحقیقی و عمل. ترجمه میرمحمد سیدعباس‌زاده. ارومیه: دانشگاه ارومیه.

### مقاله‌ها

- اعلمی‌نیا، منصوره و اسکندری، حسین و برجعلی، احمد (۱۳۹۴). آسیب‌شناختی روانی و روان‌درمانی از دیدگاه مولانا. فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، (۵۱)، ۴۲-۴۰.
- امینی، بهزاد و مظفری، علیرضا (۱۳۹۳). فرایند درونی‌سازی در مثنوی معنوی. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، (۳۷)، ۳۳-۱۱.
- آهنگی، اکرم و عابدین، علیرضا و فتح‌آبادی، جلیل (۱۳۸۸). رابطه بین تیپ‌های شخصیت با سبک‌های حل مسئله در کارکنان دانشگاه. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۴(۱۲)، ۶۱-۴۰.
- بخشی، مرضیه و کردنایج، اسداله و آکوچکیان، احمد و خداداد حسینی، سید حمید (۱۴۰۰). فهم مبانی هستی‌شناسی تصمیم‌گیری استراتژیک از منظر قرآن (مبتنی بر سوره انفال). دو فصلنامه علمی اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، ۱۵(۲)، ۴۴-۱.
- تقی‌پاره، فاطمه (۱۳۸۹). تدوین بسته‌ی روان‌درمانگری وجودی بر اساس اندیشه جلال‌الدین محمد مولوی و بررسی اثربخشی آن در درمان افسردگی و افزایش سطح تحول من. (رساله دکتری). قابل

- بازیابی از گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایراندک) ش.  
(۲۳۹dca۵۶f۰۰۰b۱d۷۶۵۹d۲۵۲۵۲۳۳۸d۳a۱).
- تقی‌یاره، فاطمه و کریمی، یوسف (۱۳۸۹). تأثیر چارچوب بر انتخاب: تعامل بین درگیری هیجانی و خطرپذیری. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، (۱۹)، ۱۷-۱.
  - جمالی، غلامعباس (۱۳۹۴). جایگاه هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی ماتقدم در تفسیری از جوهر در مفهوم ارسطویی. فصلنامه پژوهش‌های معرفت‌شناختی (آفاق حکمت)، (۱)۴، ۵۱-۸۸.
  - چمنی، رضا و باقریان، فاطمه و شکری، امید (۱۳۹۸). نقش سوگیری‌ها شناختی بر عقلانیت تصمیم‌گیری اقتصادی تحت ریسک در میان دانشجویان. فصلنامه روانشناسی شناختی، (۱)۷، ۱-۱۴.
  - حجازی، بهجت السادات (۱۳۸۷). روان‌شناسی شخصیت در تاریخ بیهقی. فصلنامه علمی پژوهشی کاوش نامه، (۱۶)۹، ۳۹-۹.
  - حدادزاده، مهدی (۱۳۹۷). تدوین مدل اسلامی شهود در تصمیم‌گیری راهبردی. مدیریت در دانشگاه اسلامی، (۱)۷، ۱۷۹-۱۹۹.
  - خدادادحسینی، سید حمید و کلابی، محمدحسن و مهربانی، روزا (۱۳۹۱). مفهوم‌پردازی فرآیند تصمیم‌گیری کارآفرینانه در بنگاه‌های کوچک و متوسط. پژوهشنامه مدیریت تحول، (۳)، ۵۰-۷۰.
  - خسروآبادی، حمیدرضا (۱۳۹۴). الگوی معیارهای تصمیم‌گیری اخلاقی مدیران مبتنی بر آموزه‌های اسلامی. (رساله دکتری). قابل بازیابی از گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایراندک) ش.  
(a5ec7ce21baa13c6924fb7c773fba674).
  - خسروآبادی، حمیدرضا و رضایی منش، بهروز (۱۳۹۴). طراحی الگوی تصمیم‌گیری اخلاقی مدیران مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه. پژوهشنامه نهج البلاغه، (۱۱)۳، ۹۴-۶۷.
  - دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۵). روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا. فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، (۸۶)۲۲، ۷۱-۳۹.
  - رازینی، روح‌الله و عزیز، مهدی (۱۳۹۴). طراحی الگوی تصمیم‌گیری با رویکرد اسلامی. فصلنامه مدیریت اسلامی، (۴)، ۱۰۰-۷۳.
  - رحیمی، مهدی و جوکار، بهرام (۱۳۹۴). پیش‌بینی تصمیم‌گیری تحلیلی توسط هیجان شادی و ابعاد سبک‌های شناختی با واسطه‌گری تمایلات فراشناختی. دو فصلنامه علمی-پژوهشی شناخت اجتماعی، (۱)۴، ۲۷-۷.
  - رضائیان، صهبا و خرازی، سید کمال و جمالی، احسان و نادری، ابوالقاسم (۱۳۹۸). الگوی مفهومی تصمیم‌گیری با رویکرد شناختی. فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، (۱)۲۱، ۲۰-۱.



- سیدالشهدائی، رؤیا و ماحوزی، امیرحسین (۱۳۹۳). نگاهی به ارزش‌های انسانی و آرمانی مولانا از دیدگاه اجتماعی. فصلنامه بهارستان سخن، (۲۶)، ۸۲-۵۵.
- شاکری، هومان و محمودی، علی محمد و گلستان اصیل، حامد (۱۳۹۷). بازخوانی و تحلیل مفهوم سنخیت و جنسیت در مثنوی مولوی. فصل‌نامه پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، ۱۲(۲)، ۸۶-۵۹.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و افضل‌ی قادی، منا (۱۳۹۹). تحلیلی بر بایسته‌های تصمیم‌گیری مشورتی براساس آموزه‌های اسلامی. نشریه علمی مدیریت اسلامی، ۲۸(۲)، ۷۶-۳۹.
- قلم‌کاریان، سید محمد (۱۳۹۷). سبک زندگی از منظر مولانا و تبیین آن بر اساس قرآن کریم. (رساله دکتری). قابل‌بازبایی از گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک ش. [.05d2d93995dc2215d3337a7303047b2f9](https://doi.org/10.52549/3995dc2215d3337a7303047b2f9)).
- کاکایی، قاسم و بحرانی، اشکان (۱۳۹۰). فنای صفاتی از دیدگاه مولانا و مایستر اکهارت. فصلنامه مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، (۸۶)، ۱۷۶-۱۴۷.
- کرمی، رحیم و رزاق‌پور، مرتضی (۱۳۹۸). تحلیل معرفت‌شناسی عرفان مانوی و مولوی. دو فصلنامه پژوهش‌های عرفانی، ۷(۱۴)، ۳۱۲-۲۹۴.
- گرجی، مصطفی و تمیم‌داری، زهره (۱۳۹۱). تطبیق پیر مغان دیوان حافظ با کهن‌الگوی پیر خردمند یونگ. فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی (زبان و ادبیات فارسی)، ۸(۲۸)، ۱۷۷-۱۵۱.
- موسی‌پور، حامد و کلانتر هرمزی، آتوسا و برجعلی، احمد (۱۳۹۹). تبیین الگوی مفهومی رشد خود مبتنی بر آثار مولوی. مجله علوم روانشناختی، ۱۹(۱۲)، ۱۲۱۸-۱۲۰۵.
- میکائیلی، نیلوفر و قلی‌زاد، معصومه و قاسمی‌نژاد، محمد علی (۱۳۹۴). ارتباط تفاوت‌های فردی در سبک‌های تصمیم‌گیری با سازگاری اجتماعی دانشجویان. فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی، ۸(۸)، ۱۳۸-۱۲۵.
- نادری، ابوالقاسم (۱۳۹۲). اقتصاد شناختی: رویکردی نوین برای تبیین تصمیم‌گیری‌های اقتصادی. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، (۱۲۱)، ۱۲۵-۹۹.
- نوروزی، علیرضا و شیرازی‌احمدآبادی، محمد ابراهیم (۱۳۸۶). ارائه مدلی انعطاف‌پذیر برای تصمیم‌گیری در شرایط اضطرار. سیزدهمین کنفرانس ملی انجمن کامپیوتر ایران، جزیره کیش، ۹-۱.

## Books

- English. Fenwick W. (2006). *Encyclopedia of Educational Leadership and Administration*. Sage Publications.
- Goethals, George R. Sorenson, Georgia. MacGregor Burns, James. (2004). *Encyclopedia of leadership: A-E*. Sage Publications.
- Goldstein EB. (2009). *Sensation and Perception*. Cengage Learning
- Mills, A., Durepos, G., & Wiebe, E. (Eds.). (2010). *Encyclopedia of case study research* (Vol. 1). California: SAGE Publications, Inc.

- Robbins Stephen P. (2000). *Managing today*. New Jersey: Prentice Hall.

## Articles

- Ariely D, Zakay D. (2001). A timely account of the role of duration in decision making. *Acta Psychologica*, 108(2). 187-207.
- Beck AT, Baruch E, Balter JM, Steer RA, Warman DM. (2004). A new instrument for measuring insight: the Beck Cognitive Insight Scale. *Schizophrenia Research*. 68(2).319-29.
- Cardon, M. S., Sudek, R., & Mitteness, C. (2009). The impact of perceived entrepreneurial passion on angel investing. *Frontiers of entrepreneurship research*, 29(2). 1-15.
- Cialdini RB, Kallgren CA, Reno RR (1991). A focus theory of normative conduct: A theoretical refinement and reevaluation of the role of norms in human behavior. *Advances in Experimental Social Psychology*. 24. 201-34.
- Elbanna S.; J. Child & M. Dayan (2013). A Model of Antecedents and Consequences of Intuition in Strategic Decision Making. *Long Range Planning*. 46. 149-176.
- Harackiewicz JM, Barron KE, Tauer JM, Carter SM, Elliot AJ. (2000). Short-term and long-term consequences of achievement goals: Predicting interest and performance over time. *Journal of Educational Psychology*, 92(2), 316-330.
- Ho, V. T., Wong, S. S., & Lee, C. H. (2011). A tale of passion: Linking job passion and cognitive engagement to employee work performance. *Journal of Management Studies*. 48(1). 26-47.
- Lavie N, Fockert JD. (2005). The role of working memory in attentional capture. *Psychonomic Bulletin & Review*. 12(4). 669-74.
- Palmer EC, Gilleen J, David AS. (2015). The relationship between cognitive insight and depression in psychosis and schizophrenia: a review and meta-analysis. *Schizophrenia Research*. 166(1). 261-8.
- Reyna VF, Wilhelms EA, McCormick MJ, Weldon RB. (2015). Development of Risky Decision Making: Fuzzy- Trace Theory and Neurobiological Perspectives. *Child Development Perspectives*. 9(2), 122-7.
- Sadler-Smith, E. & E. Shefy (2004). The Intuitive Executive, Understanding and Applying 'gut feel' in Decision making. *Academy of Management Executive*. 18. 76-91.
- Wolff JM, Crockett LJ. (2011). The role of deliberative decision making, parenting, and friends in adolescent risk behaviors. *Journal of Youth and Adolescence*. 40(12). 1607-22.